



مرکز تحقیقات اسلامی

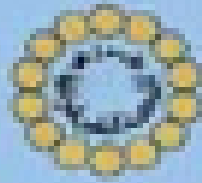
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



تاریخ تشیع  
در  
آذربایجان

محمد رضایی

با اهتمام مؤسسه شیعه شناسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ تشیع در آذربایجان

نویسنده:

محمد رضایی

ناشر چاپی:

شیعه شناسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	تاریخ تشیع در آذربایجان
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	مقدمه
۱۷	فصل ۱- آذربایجان و اولین تماس ها با تشیع
۱۷	اشاره
۱۹	فتح آذربایجان
۲۴	حضور صحابه شیعه در فتوحات آذربایجان
۲۶	مهاجران عرب، ورود عقاید نو
۲۸	آذربایجان در عصر خلافت امام علی علیه السلام
۳۰	علویان در آذربایجان
۳۵	فصل ۲- آذربایجان و حکومت های شیعی
۳۵	اشاره
۳۷	حکومت های متمایل به تشیع
۳۸	الف. آل بویه
۴۱	ب. حمدانیان
۴۳	ج. آل مسافر و اسماعیلیه
۴۷	فصل ۳- تشیع از سقوط بغداد تا یورش تیمور
۴۷	اشاره
۴۹	نگاهی به اوضاع سیاسی-مذهبی آذربایجان تا سقوط بغداد
۵۲	سقوط عباسیان
۵۴	سیاست مذهبی ایلخانان تا عصر محمود غازان

۵۶	غازان و تشیع
۵۹	الجایتو و تشیع نیمه رسمی
۶۵	تشیع در عصر آل جلایر
۶۹	فصل ۴- رسمیت تشیع
۶۹	اشاره
۷۱	تیموریان
۷۵	ترکمانان و آخرین تکاپوها
۸۳	صوفیه؛ وامدار ده قرن تکاپو
۹۳	فصل ۵ - مهم ترین عوامل مؤثر در گسترش تشیع
۹۳	اشاره
۹۵	نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در آذربایجان
۹۹	آنا تولی؛ منبع نیروی نظامی
۱۰۴	تصوف؛ پیوند مردم با تشیع
۱۰۸	اسلام مردمی؛ پیروزی تشیع
۱۲۰	نمایه
۱۲۰	الف) فهرست اشخاص و اعلام
۱۳۵	ب) فهرست اماکن
۱۳۹	ج) فهرست کتب
۱۴۱	درباره مرکز

## تاریخ تشیع در آذربایجان

### مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی، محمد، 1352-

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ تشیع در آذربایجان / تألیف محمد رضایی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات شیعه شناسی، 1385.

مشخصات ظاهری: 120 ص.

شابک: 7000 ریال 9649555889:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: شیعه -- ایران -- آذربایجان -- تاریخ.

رده بندی کنگره: BP239/ر6ت2 1385

رده بندی دیویی: 297/53

شماره کتابشناسی ملی: م 84-46635

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2



تاریخ تشیع در آذربایجان

محمد رضایی

ص: 3



فصل اول آذربایجان و اولین تماس ها با تشیع فتح آذربایجان 13

حضور صحابه شیعه در فتوحات آذربایجان 18

مهاجران عرب، ورود عقاید نو 20

آذربایجان در عصر خلافت امام علی علیه السلام 22

علویان در آذربایجان 24

فصل دوم آذربایجان و حکومت های شیعی حکومت های متمایل به تشیع 31

الف. آل بویه 32

ب. حمدانیان 35

ج. آل مسافر و اسماعیلیه 37

ص: 5

فصل سوم تشیع از سقوط بغداد تا یورش تیمور نگاهی به اوضاع سیاسی-مذهبی آذربایجان تا سقوط بغداد 43

سقوط عباسیان 46

سیاست مذهبی ایلخانان تا عصر محمود غازان 48

غازان و تشیع 50

الجبایتو و تشیع نیمه رسمی 53

تشیع در عصر آل جلایر 59

فصل چهارم رسمیت تشیع تیموریان 65

ترکمانان و آخرین تکاپوها 69

صوفیه؛ وامدار ده قرن تکاپو 77

فصل پنجم مهم ترین عوامل مؤثر در گسترش تشیع نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در آذربایجان 89

آناتولی؛ منبع نیروی نظامی 93

تصوف؛ پیوند مردم با تشیع 98

اسلام مردمی، پیروزی تشیع 102

نمایه الف)فهرست اشخاص و اعلام 113

ب)فهرست اماکن 118

ج)فهرست کتب 120

ص: 6

طلوع اسلام بی شک، مهم ترین حادثه تاریخ بشر است که تأثیر غیر قابل انکاری بر تاریخ عالم گذارد. رسمیت تشیع در ایران نیز بر تاریخ چند سده اخیر عالم اسلام تأثیر نهاد. تشیع به عنوان مهم ترین جریان مذهبی-سیاسی، چیزی جدای از اسلام، آن گونه که برخی آن را زائیده افکار ایرانیان می دانند، نیست و همراه و همپای اسلام رشد کرد و از همان ابتدای گسترش اسلام، همراه فاتحان وارد سرزمین های گشوده شده گردید و به صورت های گوناگون، چه آشکار و چه پنهان رشد نمود و بر مسائل سیاسی، اجتماعی و عقیدتی ادوار بعد تأثیر گذاشت.

آذربایجان به عنوان یکی از مهم ترین بخش های ایران، از دیرباز نقش غیر قابل انکاری در بیشتر تحولات این کشور داشته و در مقوله مذهب نیز در همه اعصار تاریخ ایران، پیشرو و تأثیرگذار بوده است. روزگاری مغان و سپس زرتشت سازنده افکار مذهبی این کشور بودند. اما پس از ورود اسلام،

گسترش و پذیرش عمومی آن، بخصوص رسمیت تشیع در سال 907 هجری، که از تبریز شروع شد، تأثیر مهمی بر سرنوشت ایران گذاشت.

شاید این سؤال مطرح شود که تشیع چگونه وارد آذربایجان شد و رشد نمود؟ و چگونه بدون مخالفت های جدی، به عنوان مذهب رسمی کشور درآمد؟ و یا چگونه سرزمینی به ظاهر دارای عقاید سنی، بدون درگیری های چشمگیر تبدیل به مرکز تشیع و مروج آن گردید؟ متأسفانه بسیاری تصور می کنند که شاه اسماعیل و نوادگانش تشیع را به زور سرنیزه بر مردم تحمیل نمودند و مخالفان را به شدت سرکوب کردند. بررسی ده قرن تاریخ اسلام از ورود آن تا رسمیت یافتن تشیع حاکی از آن است که تشیع در افکار مردم ایران، بخصوص در آذربایجان، ناشناخته نبوده و تستن ظاهری آن نیز با تستن رسمی فاصله بسیار داشته است و طی ده قرن، زمینه چنان آماده شده بود که اعلان رسمیت آن به سکوت گذشت و به واکنش تندی منجر نشد.

در این پژوهش، به بررسی سیر تحولات سیاسی و مذهبی از ورود اسلام تا رسمیت یافتن تشیع و علل و عوامل تأثیرگذار در گسترش و رسمیت آن پرداخته شده است. متأسفانه با وجود آنکه کتب گوناگونی در زمینه تاریخ تشیع ایران به رشته تحریر درآمده اند، ولی در این آثار، به نقش آذربایجان در این امر به صورت جدی پرداخته نشده است.

در این پژوهش، که حاصل مدت ها تحقیق و بررسی است، تلاش نموده ام تا عشق و ارادتم به مقام شامخ ائمه اطهار علیهم السلام و تشیع، موجب تحت الشعاع قرار گرفتن بررسی علمی نگردد، ولی مشکلات فراوانی بر

سر راه این پژوهش وجود داشتند که عمده آن ها پراکندگی مطالب و سکوت منابع در بسیاری از حوادث تاریخی است. مشکل دیگری که در پژوهش های تاریخی با آن روبه رو هستیم، روشن نبودن اوضاع اجتماعی و مذهبی عامه مردم است. متأسفانه تاریخ نگاری در ایران به اعمال و رفتار حاکمان و امرا پرداخته است و کمتر می توان در این کتب، از اوضاع عامه مردم اطلاع کسب کرد، بخصوص در مقوله اعتقادات عامه که محقق را ناگزیر به حدس و گمان می سازد.

نویسنده مدعی نیست که حق مطلب را آن گونه که باید، ادا کرده و از همه زوایای تاریک این جریان پرده برداشته است، ولی می توانم بگویم: تا حد توان کوشیده ام تا براساس منابع موجود، به بیان گوشه ای از آن پردازم. امید آنکه شروعی باشد بر پژوهش های بعدی.

بر خود لازم می دانم از همه دوستان محترم، که در این پژوهش از یاری و راهنمایی ایشان برخوردار بوده ام، تشکر نمایم. استادان محترم گروه تاریخ دانشگاه های تبریز و تهران و نیز کتاب داران محترم کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران و کتابخانه مرکزی و رشیدیّه تبریز، که طی مراجعات مکرر، با صبر و بردباری منابع مورد نیاز را در اختیار قرار دادند، همچنین از استاد محترم حجة الاسلام والمسلمین رسول جعفریان، که متن حاضر را ملا-حظه و نواقص آن را متذکر شدند، و دوست گرامی جناب آقای رحیم نیکبخت، که با تشویق های خود، نگارنده را همراهی کردند، تشکر قلبی خود را ابراز می دارم.

محمد رضائی





## فصل 1- آذربایجان و اولین تماس ها با تشیع

اشاره

ص: 11



با وحدت شبه جزیره عربستان تحت لوای اسلام، که با افول قدرت ساسانیان همزمان بود، موج فتوحات اسلامی شروع شد و در پی آن، آذربایجان نیز همچون دیگر مناطق ایران، به تصرف مسلمانان درآمد. ابتدا مقاومت هایی از سوی اهالی منطقه روی دادند و تصرف به آسانی ممکن نشد، ولی جذبۀ اسلام از شمشیر فاتحان کاری تر بود و مردم آذربایجان را نیز مفتون خود نمود و در زمان کوتاهی، اسلام در این منطقه گسترش یافت. (1)

با شکست قوای ساسانی در نهاوند به سال 21 هجری، (2) راه نفوذ

ص: 13

---

1- در خصوص پذیرش اسلام توسط ایرانیان و علل آن، ر.ک. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا، 1359، ص 79/ اصغر حیدری، «ورود اسلام به آذربایجان»، کیهان اندیشه، ش 31، (مرداد و شهریور 1369) ص 189-190/ همو، طوفان در آذربایجان، تبریز، احرار، 1381، ص 28.

2- احمد بن داود دینوری، ترجمۀ صادق نشأت، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1346، ص 149/ ابن اثیر، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمۀ عباس خلیلی، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشار، ج 3، ص 31.

مسلمانان به دیگر مناطق ایران هموار شد. در این زمان، بهرام بن فرّخزاد، از خاندان معروف «فرّخزاد»، مرزبان آذربایجان بود. در آن عصر، مرکز آذربایجان شهر «اردبیل» (1) و مرزبان در آنجا مستقر بود.

درباره سال فتح آذربایجان، اختلافاتی بین منابع تاریخی مشاهده می شوند. ابو مخنف سال 20 هجری، (2) و اقدی سال 22 هجری (3) و طبری خبر فتح آذربایجان را در ذیل حوادث سال 21 هجری (4) آورده اند.

روایتی دیگر از ابو مخنف سال 24 و 26 را سال فتح آذربایجان معرفی می کند. (5) ولی آنچه مسلم است فتح آن پس از جنگ «نهادند» اتفاق افتاده، ولی تثبیت این فتوحات چند سالی طول کشیده است.

پس از نبرد نهادند در سال 21 هجری، مغیره، براء بن عازب را مأمور فتح قزوین و زنجان نمود. وی یکی از قلاع «ابهر» را گشود و با شروطی با ایشان صلح کرد (6) و این نخستین بار بود که مسلمانان به آذربایجان وارد 1.

ص: 14

- 
- 1- احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، به تصحیح محمد فرزاد، تهران، سروش، 1364، ص 84.
  - 2- یاقوت حموی، معجم البلدان، تهران، اسدی، 1965، ج 1، ص 137.
  - 3- همان، ج 1، ص 173/ احمد بن واضح یعقوبی، البلدان، (ضمیمه العلاقات النفسیه)، لیدن، بریل، 1891، ص 273/ احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 85/ احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، 1374، ج 2، ص 45.
  - 4- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، اساطیر، 1375، ج 5، ص 1980.
  - 5- همان، ج 5، ص 2091.
  - 6- ابن اثیر، پیشین، ج 3، ص 31.

می شدند. در خصوص فرماندهان سپاه عرب، که مأمور ادامه فتوحات در آذربایجان بودند نیز منابع تاریخی اختلافاتی دارند که به نظر می رسد به خاطر آن باشد که برخی مناطق چندین بار فتح شده اند و شورش هایی که رخ داده اند، موجب شده عملیات متعددی توسط امیران برای سرکوب شورش ها و گشودن مناطق جدید صورت گیرند. یاقوت حموی (1) و بلاذری، (2) حذیفه بن یمان، و یعقوبی، (3) نام مغیره بن شعبه را به عنوان سران سپاه عرب ثبت کرده اند.

در زمان عمر بن خطاب، مغیره بن شعبه ثقفی والی کوفه بود. وی با ارسال نامه ای به حذیفه بن یمان، او را مأمور گشودن آذربایجان نمود. (4)

بکیر بن عبد الله اولین فرد از امرای لشکر اسلام بود که مأمور در آذربایجان شد و نعیم پس از فتح ری، سَمَّاك بن خرشه انصاری و عتبه بن فرقد را به یاری وی گسیل نمود. طبری و ابن اثیر اخبار مشابهی درباره چگونگی فتوحات در آذربایجان ارائه می کنند:

چون نعیم ری را گشود، سَمَّاك بن خرشه انصاری را- که ابو دجانة نبود، بلکه سَمَّاك دیگری بود- برای یاری بکیر بن عبد الله سوی آذربایجان روانه کرد. سَمَّاك هم سوی بکیر لشکر کشید. بکیر هم در آن هنگام، پیش رفت تا به کوهستان «جرمیدان» رسیده بود که ناگهان با اسفندیار و (لشکر او) 3.

ص: 15

- 
- 1- یاقوت حموی، پیشین، ج 1، ص 173.
  - 2- احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 84.
  - 3- احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 45.
  - 4- یاقوت حموی، پیشین، ج 1، ص 173.

مقابله نمود. اسفندیار به او گفت: آیا صلح را بهتر می دانی و دوست داری، یا جنگ؟ گفت: صلح. گفت: مرا نزد خود نگهدار؛ زیرا مردم آذربایجان تا من کار آن ها را به سامان نرسانم، صلح نخواهند کرد. مردم هم به کوهستان پناه بردند، در شهر «بند» سنگر گرفته، به حصار نشستند. بکیر هم اسفندیار را نزد خود نگه داشت. در آن هنگام، سَمّاك بن خرشه بامداد رسید که اسفندیار اسیر بود. سَمّاك هم پیروان خود را گشود. همچنین عتبه بن فرقد اطراف خود را فتح نمود. بکیر به عمر نوشت و از او اجازه خواست که پیش برود. عمر هم به او اجازه داد تا «در بند» برود و هر جایی را فتح کند، حاکمی به جانشینی خود بگمارد. بکیر هم عتبه بن فرقد را به جانشینی خود برگزید. عتبه هم سَمّاك بن خرشه را در بلادی که به دست بکیر گشوده شده بود، به حکومت منصوب نمود. عمر هم تمام آذربایجان را تحت امارت و ایالت عتبه قرار داد. بهرام فرخزاد هم عتبه را قصد نمود (برای جنگ)، در میان راه لشکر زده و منتظر ورود عتبه شد. لشکر عتبه رسید و جنگ واقع گردید. بهرام شکست خورده، گریخت. اسفندیار، که گرفتار و نزدیک تر بود، شنید و گفت: اکنون صلح و سلم مسلم گردید... (1)

ص: 16

---

1- ابن اثیر، پیشین، ص 39-40 محمد بن جریر طبری، پیشین، ج 5، ص 1979-1980. احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 84-86/ احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 145/ احمد کاویان پور، تاریخ عمومی آذربایجان، تهران، آسیا، 1346، ص 63.

از مفاد این صلح، پرداخت هشتصد و به قولی، صد هزار درهم از جانب اهالی آذربایجان و فاتحان بود که ایشان نیز متعهد شدند کسی را نکشند یا به اسیری نگیرند و آتشکده ها را ویران نسازند و مردم را از انجام مراسم بازندارند. (1)

طبری صورت و مفاد این عهدنامه صلح را در تاریخ خود چنین ثبت کرده است:

به نام خدای رحمان رحیم. این امانی است که عتبه بن فرقد، عامل عمر بن خطاب... به مردم آذربایجان می دهد، از دشت و کوه و اطراف و درّه ها و اهل دین ها، که جان ها و مال ها و دین ها و ترتیبات دین همگی شان در امان است، به شرط آنکه جزیه بدهند به قدر توانشان. بر کودک و زن بیماری که چیزی از دنیا به کف ندارد و عامه خلوت نشین، که چیزی از دنیا به کف ندارد، جزیه نیست. امان برای خودشان است و هرکه با آن ها مقیم باشد، و باید مسلمانی از سپاه اسلام را يك روز و شب مهمان کنند و راهنمایی نمایند. هرکس از آن ها که به سالی سپاهی شود، جزیه آن سال از او برخیزد و هرکه نباشد مانند ماندگان باشد و هر که برود در امان باشد تا به پناه خود برسد. (2) 1.

ص: 17

---

1- احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 84-85.

2- محمد بن جریر طبری، پیشین، ص 1980-1981.

در زمان عمر، چندین نفر به ولایت آذربایجان گسیل شدند؛ از جمله حذیفه و بعد، عتبه بن فرقد سلمی، (1) و بنا به نوشته ابو مخنف، سعد و عمّار (2) نیز مدتی بر آذربایجان حکومت کردند.

با آغاز خلافت عثمان و قدرت یابی اطرافیان وی، ولید بن عقبه مأمور اداره امور آذربایجان شد. در این زمان، مردم آذربایجان شورشی کردند.

اگرچه منابع تاریخی علت این شورش را ذکر نکرده اند، اما علاقه مردم به کسب استقلال و نیز تعدی حکام نسبت به مردم می تواند عامل این شورش باشد. عثمان یکی از سرداران عرب به نام سلمان بن ربیع باهلی را به عنوان سردار سپاه مأمور آذربایجان برگزید و سلمان فارسی را به عنوان راهنمای وی همراه سپاه کرد. این شورش رفع گردید و مجددا صلح برقرار شد. (3)

### حضور صحابه شیعه در فتوحات آذربایجان

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخی صحابه بزرگوار بنا به تأکید و توصیه ایشان و واقعه «غدیر خم»، طرفدار جانشینی و حکومت حضرت علی علیه السلام شدند و به دوستان و شیعیان علی علیه السلام معروف گردیدند. در واقع، «تشیع به عنوان یکی از مذاهب معنوی اسلام، نخستین بار، در گروهی از مسلمانان پیش گام نمودار شد. از جمله ایشان ابو ذر و سلمان است که پیامبر و

ص: 18

---

1- احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 85.

2- همان.

3- همان، ص 86/ یاقوت حموی، پیشین، ج 1، ص 174/ ابن خلدون، العبر، ترجمه عبد المحمّد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1363، ج 1، ص 557.



علی علیهما السلام او را از خاندان خود می شمردند.» (1) غیر از این افراد، کسان دیگری- از صحابه معروف نیز جزو شیعیان محسوب می شوند. (2)

تشیع چیزی جدای از اسلام نبود و همراه و همپای آن به همراه فاتحان عرب وارد سرزمین های مفتوحه می شد. علامه مظفر می نویسد:

«تشیع شانه به شانه با اسلام همگام بود و هر جا اسلام وارد می شد، تشیع در کنار آن بدان جا راه می یافت.» (3) بسیاری از صحابه در فتح ایران شرکت کردند و دسته ای از صحابه با گرایش های شیعی در فتح آذربایجان حضور داشتند. ایشان را می توان نخستین پیام آوران تشیع به آذربایجان دانست که موجب ورود اولین اندیشه های شیعی به آذربایجان گردیدند.

همان گونه که گفته شد، در زمان امارت ولید بن عقبه در آذربایجان، شورش روی داد و عثمان یکی از سرداران عرب به نام سلمان بن ربیع باهلی را برای فرمان دهی سپاهی که بر آذربایجان اعزام می شد، برگزید و سلمان فارسی را به عنوان راهنمای وی مأمور آذربایجان کرد. (4)

حضور افرادی همچون سلمان فارسی (5) در آذربایجان، که جزو پیشروان 3.

ص: 19

- 
- 1- کامل مصطفی الشیبی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، 1359، ص 19.
  - 2- درباره اولین شیعیان، ر.ک. کامل مصطفی الشیبی، الصلة بين التصوف و التشيع، بغداد، 1963، ص 18-53. درباره علل گرایش ایرانیان به تشیع، ر.ک. مرتضی مطهری، پیشین، ص 120.
  - 3- محمد حسین مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1372، ص 286.
  - 4- ر.ک. احمد کویانپور، پیشین، ص 66-70.
  - 5- درباره سلمان فارسی، ر.ک. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق سخاو، لیدن، 1904، ج 4، ج بیروت، 1377 هـ/1975 م، ص 75-93.

تشیع است، احتمالاً موجبات آشنایی دست کم برخی از اهالی محل با نخستین اندیشه های شیعی را فراهم آورد. در جنگی که با ترکان خزر روی داد، یکی از سرداران عرب به نام عبد الرحمن کشته شد و مسلمین مجبور شدند به دو گروه تقسیم شوند که گروهی همراه سلمان فارسی راه گیلان و گرگان را در پیش گرفتند. (1) از دیگر صحابه شیعه، بنا به خبری که بلاذری از ابو مخنف نقل می کند، عمّار یاسر است که مدتی والی «آذربایجان» بود. (2)

از دیگر کسانی که در فتوحات آذربایجان حضور داشت، مسلم بن عوسجه را می توان نام برد که در واقعه «کربلا» به شهادت رسید. (3)

حضور این افراد اگرچه کوتاه مدت بود، ولی می تواند موجبات آشنایی مردم را با عقاید شیعی فراهم کرده باشد که با مهاجرت اعراب و علویان، بیشتر تقویت گردید. (در صفحات بعد، بدان اشاره خواهد شد.)

### مهاجران عرب، ورود عقاید نو

با پایان یافتن فتوحات، نیاز مبرم به تثبیت موقعیت موجب شد پادگان های عرب در این مناطق ایجاد گردند و پیوسته حضور داشته باشند. چون آذربایجان از مناطق حسّاس بود و همواره مقاومت های پراکنده ای در آن روی می دادند، تعداد زیادی از اعراب در آن مستقر شدند. طبری

ص: 20

---

1- ابن اثیر، پیشین، ص 221.

2- احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 85.

3- ابن اثیر، پیشین، ج 5، ص 177.

می نویسد: پیوسته شش هزار مجاهد از کوفه در آنجا حضور می یافتند. (1)

به دستور عمر، برخی از اعراب کوفه به آذربایجان و نواحی اطراف آن گسیل شدند. (2) بلاذری از حسین بن عمر و او از واقدی روایت می کند:

چون تازیان در آذربایجان فرود آمدند، عشریه ای عرب از کوفه و بصره و شام بدان جا روی آوردند. هر قوم بر هر چه توانست مسلط گردید. (3)

برخی از قبایل یمنی نیز در آذربایجان مستقر شدند. (4)

در همان قرن اول هجری، اطراف همدان، اصفهان و فارس و نیز حدود قم، کاشان، ری، قزوین و آذربایجان (5) محل توجه فاتحان شد.

مهاجرت اعراب از دلایل اصلی نفوذ اسلام در سرزمین های نوگشوده است که از جزیره العرب و عراق راهی مناطق ایران شدند. در طول قرن اول و دوم، شمار مهاجران عرب به ایران بسیار زیاد بود. (6) این مهاجرت ها به طور معمول، شکل قبیله ای داشتند و در هر منطقه، قبایلی سکونت می کردند. 3.

ص: 21

- 
- 1- طبری می نویسد: «غزاهای (-غزوه ها) کوفه در ری و آذربایجان بود و در این دو مرز، ده هزار جنگاور از مردم کوفه بودند؛ شش هزار در آذربایجان و چهار هزار در ری. در آن وقت، در کوفه چهل هزار جنگاور بود و هر سال ده هزارشان به غزای این دو مرز می رفتند و هر چهار سال یکبار، نوبت غزا به یکی می رسید.» (محمد بن جریر طبری، پیشین، ج 5، ص 2091)
  - 2- عبد الحسین زرّین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، 1373، ج 2، ص 370.
  - 3- احمد بن یحیی، بلاذری، پیشین، ص 87.
  - 4- همان، ص 462.
  - 5- عبد الحسین زرّین کوب، تاریخ مردم ایران، تهران، امیرکبیر، 1373، ج 2، ص 370.
  - 6- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، قم، انصاریان، 1380، ج 1، ص 63.

با قدرت گیری امویان، این مهاجرت ها شکل سیاسی به خود گرفتند.

سخت گیری نسبت به مخالفان سیاسی و عقیدتی، بخصوص شیعیان، موجب فرار بسیاری افراد با عقاید گوناگون به ایران شد. این افراد با تهمت تشیع یا انتصاب به خوارج، مجبور به مهاجرت می شدند. (1) در این مهاجرت ها، آذربایجان به خاطر موقعیت خاص خود، سهم عمده ای داشت. آذربایجان دارای موقعیت طبیعی مناسبی برای ایلات کوچرو بود و این ویژگی در کنار مراتع وسیع آن، نظر قبایل گوناگون را به خود جلب می کرد. (2) بعضی از این قبایل و برخی افراد، که عقاید شیعی داشتند، با حضور خود در مناطق جدید، عقاید خود را نیز همراه خود رواج می دادند. حضور این افراد، بخصوص در آذربایجان، به نوبه خود، به رشد تمایلات شیعی کمک کرد.

### آذربایجان در عصر خلافت امام علی علیه السلام

با کشته شدن خلیفه سوم، مردم بر در خانه حضرت علی علیه السلام هجوم بردند و با اصرار ایشان، آن حضرت پس از سال ها، زمام داری جامعه اسلامی را به دست گرفت. منابع تاریخی اطلاعات روشنی از اوضاع مذهبی و سیاسی آذربایجان در عصر امامت ایشان به دست نمی دهند.

حضرت علی علیه السلام پس از جنگ «جمل»، قاصدی به نزد اشعث بن قیس،

ص: 22

---

1- عبدالحسین زرّین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص 370.

2- درباره علل حضور اعراب در آذربایجان، ر.ک. احمد کسروی، شهر یاران گمنام، تهران، امیرکبیر، 1353، ص 147-151.

که از طرف عثمان والی آذربایجان بود، فرستاد و پیغام داد که بیعت مردم آن سامان را برای او بگیرد. (1) اشعث بن قیس تا زمان استقرار حضرت علی علیه السلام در کوفه، بر آذربایجان حکومت می کرد و سپس عزل شد. (2) البته برخی مورخان در نوشته های خود، مطالب اشتباهی ثبت کرده اند که با واقعیات تاریخی فاصله زیادی دارند؛ مثلاً، بلاذری می نویسد:

علی بن ابی طالب اشعث را ولایت آذربایجان داد. چون به آذربایجان رسید، چنان دید که اکثر مردم اسلام آورده اند و قرآن می خوانند. سپس گروهی از تازیان اهل عطا و دیوان را در اردبیل مسکن داد و آن شهر را آبادان گردانید و مسجد آن را بساخت و آن مسجد بعدها وسیع تر گردید. (3)

روشن است که نمی توان به این گونه اخبار چندان اعتنا کرد، بخصوص که اسلام آوردن اکثریت مردم در این زمان اندک، چندان قابل قبول نمی نماید، ولی شکی نیست که اسلام به تدریج، در لایه های اجتماع رسوخ می کرد و همراه خود، اعتقادات اولیه تشیع را همراه می آورد.

پس از عزل اشعث بن قیس، قیس بن سعد بن عباده فرماندار آذربایجان شد. امام علی علیه السلام در نامه ای که به وی فرستاد، چنین سفارش نمود:

بر جمع آوری خراجت، به حق روی آور... آنچه خدا به تو2.

ص: 23

---

1- ابن اثیر، پیشین، ج 4، ص 139/ احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 110.

2- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، 1374، ج 1، ص 729.

3- احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 87 و 462.

آموخته است به کسانی که نزد تواند، بیاموز... سپس از مردم روی پنهان مدار و در خانه ات را باز کن و قصد انجام حق می دار... (1)

زمانی که سیره حضرت علی علیه السلام را با دیگران مقایسه می کنیم، پی به عظمت و شخصیت والای ایشان می بریم که عامل بسیار مؤثری در جذب قلوب عامه و عشق به این خاندان بود، اگرچه برخی از محققان معتقدند که ایران در عصر امام علی علیه السلام هیچ گونه آشنایی با تشیع اولیه نداشت. (2)

ولی این عقیده نمی تواند چندان قابل قبول باشد. با اینکه منابع تاریخی اطلاعی که بتوان بدان استناد کرد به دست نمی دهند، ولی نمی توان منکر ورود عقاید شیعی و دست کم آشنایی برخی لایه های جامعه با تشیع اولیه شد.

## علویان در آذربایجان

در کنار ورود مهاجران عرب به ایران، عده ای از علویان نیز در آذربایجان حضور پیدا کردند که به نوبه خود، موجبات آشنایی بیشتر مردم با خاندان رسول الله علیهم السلام و عقاید شیعی را فراهم آوردند. اطلاعات اندکی از این مهاجران داریم. از برخی منابع تاریخی، استنباط می شود که نخستین

ص: 24

- 
- 1- احمد بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 115-116. نویسنده کتاب تاریخ خوی می نویسد: قیس بن سعد بن عباده نتوانست عملاً به حکومت آذربایجان پردازد. (مهدی آقاسی، تاریخ خوی، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، 1350، ص 4-15).
  - 2- محمد حسین مظفر، پیشین، ص 285. شهید مطهری می نویسد: «ایرانیان از قدیم الایام، که اسلام اختیار کردند، بیش از اقوام و ملل دیگر نسبت به خاندان نبوت علاقه و ارادت نشان دادند.» (مرتضی مطهری، پیشین، ص 120)

حضور علویان در آذربایجان همزمان با آغاز فتوحات بوده است. عون بن علی و زید بن علی علیه السلام را می توان اولین اعضای این خاندان دانست که به آذربایجان وارد شدند، ولی در درگیری های اولیه برای گشودن آذربایجان، به شهادت رسیدند. در قلّه کوه «سرخاب»، که به زبان محلی «عین آلی» خوانده می شود، چند مزار مشاهده می شوند که گویا به همین افراد اختصاص دارند. (1)

مهم ترین عامل آشنایی بیشتر مردم ایران و آذربایجان با تشیع مربوط به حضور امام رضا علیه السلام در خراسان است. «تشیع با مفهوم خاص خود، جز پس از آمدن امام رضا علیه السلام (2) به ایران ظهور نکرد و مأمون از حضور شیعیان نزد امام رضا علیه السلام و تجمع آن ها با آن حضرت ممانعت به عمل نمی آورد. بنابراین، امکان دست رسی به آن امام و تجمع مردم با او و مناظره علما با وی در فنون گوناگون به دستور مأمون و محکوم شدن مناظره کنندگان و ظهور کرامات و مشاهده فضایل آن حضرت، نظرهای اهل بصیرت را به شایستگی فزون تر و صلاحیت بیشتر آن حضرت برای احراز مقام خلافت جلب نمود و اذهان آن ها را متوجه این حقیقت می ساخت که آن حضرت و آبا و اجداد او سرچشمه علم نبوی و گنجوران وحی و امامان به حق می باشند. در ایام امام رضا علیه السلام بود که مشعل تشیع 1.

ص: 25

- 
- 1- ملاً محمد امین حشری تبریزی، روضه اطهار، تصحیح عزیز دولت آبادی، تبریز، ستوده، 1371، ص 17.
  - 2- درباره ولایت عهدی امام رضا علیه السلام، ر.ک. ابن اثیر، پیشین، ج 10، ص 270/ محمد حسین مظفر، پیشین، ص 103-114/ علی بن حسین مسعودی، پیشین، ج 1، ص 442/ ابن خلکان، وفيات الاعیان، تصحیح و تحقیق احسان عباسی، بیروت، دار الثقافة، ج 3، ص 269-271.

در قم برافراشته شد.» (1) اگرچه اقامت امام رضا علیه السلام در ایران از دو سال تجاوز نکرد، ولی علی رغم کوتاهی این مدت، فضایل و کراماتی از آن حضرت بروز کردند که اعتقاد به امامت ایشان، از رهگذر آن ها در مردم بارورتر گردید. (2)

با ورود امام رضا علیه السلام به ایران، سادات علوی راه این مملکت را در پیش گرفتند. آن حضرت بنا به روایات، 21 برادر داشت که به همراه عموزادگان خود، از هر دو شاخه حسنی و حسینی راه خراسان در پیش گرفتند و عده ای نیز همراه آن حضرت وارد ایران شدند. (3) شهادت امام رضا علیه السلام موجب تعقیب علویان گردید و به شهادت عده ای و متواری شدن دسته ای دیگر انجامید. در نتیجه، عده ای از ایشان راهی طبرستان (4) و سایر مناطق شدند.

سخت گیری های متوکل (232-247 ه) و تعقیب و آزار شیعیان و علویان موج این مهاجرت را تسریع کرد. بنا به مندرجات کتاب منتقلة الطالبیه، که در قرن پنجم هجری و در خصوص مهاجرت سادات و محل 5.

ص: 26

- 
- 1- محمد حسین مظفر، پیشین، ص 287.
  - 2- همان. نیز درباره تأثیر آن حضرت بر تشیع ایران، ر.ک. دائرة المعارف تشیع، تهران، 1368، ج 2، ص 364-369.
  - 3- شیخ مفید، الارشاد، ترجمه و شرح محمد باقر ساعدی خراسانی، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، 1364، ص 600/ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری با اعلام المهدی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دار المعرفه، ص 320.
  - 4- اولیاء الله آملی، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1348، ص 84/ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، تهران، دانشگاه تهران، 1361، ج 1، ص 95.



اقامت ایشان نوشته شده، پیداست که برخی از ایشان راه آذربایجان در پیش گرفتند و در برخی مناطق آن اقامت گزیدند: «سه نفر در آذربایجان، پنج نفر در ابهر، دو نفر در اردبیل.» (1) واضح است که حضور این دسته خودبه خود، موجبات آشنایی هرچه بیشتر مردم با این خاندان و رواج عقاید شیعی را به دنبال داشت، اگرچه دامنه آن در آذربایجان محدودتر از مناطقی مانند سواحل دریای خزر بود. 8.

ص: 27

---

1- ر.ك. آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج 23، ص 4/رسول جعفریان، پیشین، ج 1، ص 238.







روشن است که حمایت حکومت ها و حاکمان موقت از عقاید و مذاهب، تا چه حد می تواند به رشد يك مذهب كمك نماید. در طول تاریخ، بارها حمایت يك فرمانروا از يك گرایش خاص، موجبات رشد آن را فراهم آورده است، هرچند این گرایش غیر از اعتقادات شخصی حکمران، از عوامل سیاسی و حکومتی نشأت گرفته باشد. حکومت ها با ابزارهای گوناگونی که در اختیار دارند، نقش غیر قابل انکاری در رشد يك مذهب خاص دارند. در روند گسترش تشیع در آذربایجان، نقش حکومت های همجوار با گرایش های شیعی را نمی توان نادیده گرفت. حکومت های «آل بویه»، «حمدانیان»، «علویان» طبرستان، «آل مسافر» و حتی خاندان شیعة «بنی دolf» در کرج، از جمله این حکومت ها هستند که در برخی مقاطع تاریخی، نقش خاصی در تحولات سیاسی آذربایجان ایفا کرده اند که به بررسی نقش هر کدام پرداخته می شود. البته منظور آن نیست که

تاریخ سیاسی این خاندان‌ها بررسی شود، تنها در مواقعی که ضروری به نظر برسد اشاره ای بدان خواهد شد.

## الف. آل بویه

بویه پسر فنا خسرو در «دبلم»، فرد گم‌نامی بود که به تنگ‌دستی روزگار می‌گذراند، ولی سه پسر وی به نام‌های علی (1) (عماد الدوله)، حسن (رکن الدوله) و احمد (معز الدوله) در اثر لیاقت و سخت‌کوشی، حکومتی مقتدر ایجاد کردند که قسمت عمده ای از غرب ایران و عراق را شامل می‌شد.

دست‌یابی «آل بویه» شیعه مذهب (2) بر بغداد و نفوذ آنان در خلفای عباسی، (3) نقش عمده ای در رشد تشیع ایفا کرد. علامه مظفر عقیده دارد: «سراسر دوران حکومت آل بویه را باید دوران سعی و ترویج مذهب اهل‌البیت علیهم‌السلام دانست.» (4) در عصر آل بویه، شیعیان امامی اجازه یافتند با پذیرش مناصب دولتی، در اداره امور حکومت، مقاصد خویش را پیش برند. (5)

ص: 32

- 1- برای اطلاع بیشتر درباره عماد الدوله، ر.ک. ابن خلکان، پیشین، ج 3، ص 339-400؛ ج 2، ص 51-74 احمد بن جلال‌الدین محمد خوافی، مجمل فصیحی، تصحیح محمد فرّخ، مشهد، کتابفروشی باستان، 1339، ج 2، ص 51-74 علی اصغر فقیهی، شاهنشاهی عضد الدوله، تهران، اسماعیلیان، 1347، ص 33.
- 2- در مورد تشیع آل بویه، ر.ک. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران، اسلامیه، 1376، ج 2، ص 323-335 علی اصغر فقیهی، پیشین، ص 114-116.
- 3- در مورد حضور آل بویه در بغداد و نشستن بر مسند خلافت، ر.ک. علی بن حسین مسعودی، پیشین، ج 2، ص 751-754.
- 4- محمد حسین مظفر، پیشین، ص 294.
- 5- جونل ل. کرومر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1375، ص 80.

در واقع، مهم ترین توفیق شیعیان در این دوره، اجازه تظاهر علنی به عقایدشان، بدون نیاز به تقیّه بود. اگرچه آل بویه سیاست آشتی مذهبی را دنبال می کردند، ولی تشیّع بی آنکه مذهب رسمی حکومت شود، نمود و رشد بیشتری یافت و اشخاص با فرهنگی از جمله بازرگانان و دولتمردان و عمّال دولتی را به خود جذب کرد. (1) «دیالمه آل بویه شیعه مذهب بودند و بزرگداشت آن ها در حق ائمه و علویان و علاقه شان به اظهار شعائر و مراسم شیعه، که زیارت مشاهد و تعمیر و تزئین آن ها و مخصوصاً تدفین امرای آن ها در این مشاهد هم از لوازم آن است، شاهد این دعوی است.

همچنین تکریم رکن الدوله در حق شیخ صدوق ابو جعفر بن بابویه (وفات 381 هـ)، فقیه بزرگ شیعه در ری، علاقه و انس و تقّد عضد الدوله نسبت به شیخ مفید (وفات 413 هـ)، عالم بزرگ شیعه در بغداد، و بزرگداشت بهاء الدوله در حق خاندان شریف رضی (وفات محرّم 406)، جامع نهج البلاغه، از همین علاقه مذهبی آن ها حاکی به نظر می رسد.» (2)

در سال 351 هـ، اعلان های دیواری در سب دشمنان اهل بیت علیهم السّلام آغاز دوران جدیدی را در حیات تشیّع اعلام داشتند. معرّ الدوله، حاکم بویهی بغداد، این اقدام شیعیان را مجاز شمرد. البته وی بنا به مصلحت، سیاست میانه روی پیش گرفت و بر روی دیوارها به دستور وی نوشته شد: «خداوند ستمگران به اهل بیت علیهم السّلام از قدیم و جدید را لعنت 6.

ص: 33

---

1- همان، ص 80-82.

2- همان، ص 80/ عبد الحسین زرّین کوب، تاریخ مردم ایران، ج 2، ص 478/ علی اصغر فقیهی، پیشین، ص 116.

کند.» (1) وزیر وی، معروف به مهلبی نیز متمایل به طرف داری از شیعیان اثناعشری بود. (2)

باتوجه به اینکه آل بویه قدرت مسلط در غرب ایران بودند، نقش مهمی در تحولات سیاسی غرب ایران و آذربایجان ایفا نموده، در امور حکومت های مستقر در آذربایجان و تحولات سیاسی این منطقه نقش مهمی ایفا می کردند. در این دوران، اوضاع سیاسی در آذربایجان تا حدی متشنج بود و برخی خاندان ها بر مناطق گوناگون آذربایجان حکومت می کردند. مرزبان بن محمد از «آل مسافر» و معروف به «سلار»، که از ولایت «طارم» بود، بر «دیسلم» غلبه نمود و بر آذربایجان دست یافت. وی گرایش اسماعیلی داشت و عناصر دیلمی، که تمایلات شیعی در میان آن ها به اشکال زیدی، اسماعیلی و دوازده امامی وجود داشتند، از وی حمایت می نمودند. (3) بر اثر برخی مسائل، بین دو طرف جنگ روی داد و مرزبان از رکن الدوله شکست خورد. (4) در این وقایع، نقش ابو الفضل بن عمید، معروف به «استاد الرئیس» وزیر رکن الدوله، قابل تأمل است. «ابن عمید شیعی و به احتمال قریب به یقین، بر مذهب امامیه بود و از شهر قم برخاست.» (5) وی پس از جنگ، انتقال مرزبان به دژ «سمیران» را به عهده 6.

ص: 34

- 
- 1- . جوئل ل. کرومر، پیشین، ص 78. درباره نوشته های دیواری علیه مخالفان تشیع، ر.ك. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج 2، ص 275-301/ ابن خلکان، پیشین، ج 3، ص 256-266.
  - 2- . جوئل ل. کرومر، پیشین، ص 78.
  - 3- . عبد الحسین زرین کوب، پیشین، ج 2، ص 309-310.
  - 4- . همان، ص 312.
  - 5- . جوئل ل. کرومر، پیشین، ص 336 و نیز ر.ك. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج 2، ص 275-301/ ابن خلکان، پیشین، ج 3، ص 256-266.



گرفت. (1) با گذشت زمان، سیاست آل بویه در قبال ایشان تغییر کرد. پس از وفات مرزبان، برادرش وهسودان بن محمد سعی در گسترش نفوذ خود نمود، ولی ابراهیم بن مرزبان از رکن الدوله دیلمی کمک گرفت. رکن الدوله با ارسال سپاهی به همراه ابن عمید وزیر خویش به یاری وی برخاست و ابراهیم بن مرزبان بر آذربایجان مسلط شد. (2) کسروی قصیده معروف مربوط به این وقایع را در کتاب شهر یاران گمنام خود آورده است. (3)

این کشمکش ها به نوبه خود، به ورود افکار شیعی به آذربایجان کمک کردند. افرادی همچون ابن عمید و بسیاری از سپاهیان دیلمی، که عقاید گوناگون شیعی داشتند، موجبات آشنایی هرچه بیشتر مردم را با عقاید شیعی فراهم کردند. غیر از این، «در آذربایجان و اران، (4) شعبه دیگری از آل بویه و دیلمیان حکومت می کردند که "مظفریه" یا "آل مظفر" نامیده می شدند.» (5)

## ب. حمدانیان

از جمله حکومت های متمایل به تشیع و همجوار با آذربایجان، «حمدانیان» بودند که نقش مهمی در مرزهای امپراتوری بیزانس به عهده داشتند. تشیع

ص: 35

- 
- 1- ابن مسکویه، پیشین، ج 2، ص 133-141 جونل ل. کرومر، پیشین، ص 336.
  - 2- عبد الحسین زرین کوب، پیشین، ج 2، ص 314/ شرف خان بدلیسی، شرفنامه، ص 21. درباره لشکر کشی ابن عمید به همراه ابراهیم به آذربایجان، ر.ک. ابن مسکویه، حوادث سال 355 ه به بعد.
  - 3- احمد کسروی، پیشین، ص 56-57.
  - 4- آن سوی ارس (جمهوری آذربایجان کنونی).
  - 5- عباس پرویز، تاریخ دیالمه و غزنویان، علمی، 1336، ص 140.

در دوره حمدانیان در «موصل» و «حلب» پایه گذاری شد و روزبه روز بر عظمتش افزوده گشت. (1)

در «موصل» و «نصیبین»، دو حکومت شیعی وجود داشتند که یکی از آن ها به دنبال دیگری پدید آمد. اولین آن ها حکومت و فرمان روایی «آل حمدان» بود که ابو الهیجاء عبد الله بن حمدان، پدر سیف الدوله و ناصر الدوله، اولین فرمانروای این خاندان است. (2) زمانی که مونس، خادم ابن ابی الساج، را در اردبیل دستگیر کردند، ابو الهیجاء عبد الله بن حمدان از کسانی بود که در جنگ حضور داشت. (3) قاضی نور الله شوشتری درباره ناصر الدوله می نویسد:

تشیع او و جمیع سلسله او مستغنی از بیان است. همواره از خدمت شیخ اجل محمد بن محمد نعمان مفید استفاده اصول و فروع می نمود و در اعزاز و اکرام او می افزود، و جناب شیخ را در مبحث امامت، رساله ای است که به نام ناصر الدوله نوشته. (4)

ابن کثیر حمدانیان را رافضی و دوستدار شیعه می داند. (5)

به علت نزدیکی «موصل» با آذربایجان، پیوندهای زیادی بین دو منطقه 1.

ص: 36

---

1- محمد جواد مغنیه، شیعه و تشیع، ترجمه سید شمس الدین مرعشی، قم، مجمع ذخائر اسلامی، 1355، ص 306.

2- محمد حسین مظفر، پیشین، ص 178.

3- علی بن حسین مسعودی، پیشین، ج 1، ص 692.

4- قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 335.

5- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، سازمان تبلیغات اسلامی، 1368، ص 241 به نقل از: ابن کثیر، البداية و النهایه، بیروت، 1966، ج 11، ص 240-241.

وجود داشتند و حمدانیان مدتی بر آذربایجان و شهر «مراغه» مسلط شدند.

یکی از امرای این خاندان به نام عبد الله بن حمدان در جنگی شدید، از محمد بن ابی ساج شکست خورد. حضور-هرچند بی دوام- حمدانیان (1) در آذربایجان نیز یکی از دلایل گسترش تشیع در آذربایجان می تواند باشد.

### ج. آل مسافر و اسماعیلیه

از خاندان های دیلمی، که مدتی آذربایجان را در تصرف داشتند، «آل مسافر» هستند که به «سالاریان» و «کنکریان» نیز معروفند. (2) اطلاعات ما درباره ابتدای قدرت یابی ایشان اندک است، اما قدرت یابی ایشان همزمان با افول قدرت «جستانیان» بوده ایشان با تسخیر دژ «شمیران» به سرتاسر «تارم»، که جزو ولایت قزوین بود، دست یافتند. (3) نخستین فرد از این خاندان، که نامش در تواریخ آمده، محمد پسر مسافر می باشد که توسط پسرانش و هسودان و مرزبان از قدرت ساقط شد. این وقایع همزمان با سست شدن پایه های قدرت «بنی ساج» در آذربایجان بود که جای خود را به دیسم بن ابراهیم شادلویه، که مذهب خارجی داشت، داده بود.

در این سده، فرقه «اسماعیلیه» برای مدتی در آذربایجان جایگاه خاصی به دست آورد. تبلیغات گسترده و مخفی فرقه «اسماعیلیه» و

ص: 37

- 
- 1- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره حمدانیان، ر.ک. سامر فیصل، دولت حمدانیان، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1380/قاضی نور الله شوشتری، ج 2، ص 335-338/جوئل ل. کرومر، پیشین، ص 138-143.
  - 2- احمد کسروی، پیشین، ص 50-51.
  - 3- همان، ص 52.

مبلمان خلفای فاطمی مصر از مدت ها قبل، افکار مردم ایران را متوجه تشیع نموده بود. (1) ابو حاتم رازی، که از داعیان اسماعیلی در شهر ری بود، مبلغانی را روانه برخی مناطق اطراف از جمله آذربایجان نمود. (2)

همزمان با انقراض خاندان «ساجیان»، که روابط چندان خوبی با دستگاه خلافت عباسی (3) نداشت، «اسماعیلیه» رونق یافتند.

وزیر دیسم، ابو القاسم علی بن جعفر، از مردم آذربایجان، که مذهب باطنی داشت، به علت دسیسه ای که علیه وی چیده شد، بر جان خود بیمناک گردید و به «تارم» گریخت و به مرزبان پیوست و وی را به تسخیر آذربایجان برانگیخت. در سال 330 هـ، مرزبان به آذربایجان حمله کرد و تا «اران» و «ارمنستان» را به تصرف خود درآورد. (4) بدین سان، آذربایجان به دست یک فرمانروای اسماعیلی افتاد.

در این سال ها، آذربایجان صحنه فعالیت داعیان و مبلغان مذهب اسماعیلی شده بود و آن گونه که از اشارات ابن حوقل بر می آید، (5) کثرت.

ص: 38

---

1- مجید شببانی، تشکیل شاهنشاهی صفویه، تهران، دانشگاه تهران، 1346، ص 89.

2- جوئل ل. کرومر، پیشین، ص 114.

3- «یوسف پسر ابی الساج مدت ها از اطاعت خلیفه عباسی سر برمی تافت تا در سال 307 به دست مونسی گرفتار شد.» ر.ک. احمد کسروی، پیشین، ص 64.

4- همان منبع، ص 72-73 تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کیمبریج)، گردآوری ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، 1381، ج 4، ص 201-202. ابن مسکویه «ابو القاسم» را از داعیان اسماعیلی می داند. (احمد کسروی، پیشین، ص 73 به نقل از: ابن مسکویه، پیشین، ذیل حوادث 330).

5- ابن حوقل در سفرنامه خود می نویسد: «گروهی از آنان اکنون دارای مذهب اهل حدیث و قایل به حشوند و بیشتر ایشان از باطنیه بقلیه هستند.» (ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، 1366، ص 94).

تعداد این طایفه در آن دیار قابل توجه بوده است. علی بن جعفر در مقام وزارت مرزبان، در نشر و ترویج مذهب اسماعیلی از توافق و حمایت فرمانروای جدید بهره مند بود. (1) اقدامات مرزبان و وزیرش در نشر و تبلیغ مذهب اسماعیلی (2) موجب رواج تشیع اسماعیلی در آذربایجان گردید.

از حاکمان اسماعیلی مذهب آذربایجان، یکی هم و هسودان است که در سگه ای که از او در دست است، عنوان «سیف آل محمد» نقش شده و نام ائمه اسماعیلی بر آن ضرب گردیده که احتمالاً این مربوط به اوایل کار اوست. (3)

با غلبه ابو الهیجاء بن رواد بن ابراهیم مرزبان، سلسله «روادیان» آغاز شد و در ظاهر، آذربایجان بار دیگر به قلمرو اهل سنت درآمد و روابطش با بغداد تجدید گردید. (4) 7.

ص: 39

---

1- عبد الحسین زرّین کوب، تاریخ مردم ایران، ج 2، ص 94.

2- درباره اسماعیلیه، ر.ک. تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ج 449-466.

3- عبد الحسین زرّین کوب، تاریخ مردم ایران، ص 314. در پشت سگه شهادتین و نام حضرت رسول صلی الله علیه و آله و شش امام اول از ائمه اطهار و دو امام مذهب اسماعیلی (اسماعیل و محمد) منقور است. ر.ک. سید جمال ترابی طباطبائی «رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی»، نشریه موزه آذربایجان، ش 1351، 6، ص 11.

4- عبد الحسین زرّین کوب، تاریخ مردم ایران، ص 317.









## نگاهی به اوضاع سیاسی-مذهبی آذربایجان تا سقوط بغداد

در نگاه اول، تا سقوط بغداد، اوضاع سیاسی-مذهبی آذربایجان پیچیده و تاریک به نظر می‌رسد، بخصوص که اطلاعات تاریخی نیز بسیار پراکنده و اندک هستند و در برخی موارد، به زحمت می‌توان مطلبی به دست آورد. اگرچه اسلام بسیار سریع در آذربایجان پذیرفته شد، ولی «قسمتی از مردم در آذربایجان... آیین اسلام را نپذیرفتند و با قبول جزیه و خراج، «اهل ذمه» شدند و بر آیین سابق خویش همچنان باقی ماندند.»<sup>(1)</sup>

با توجه به اوضاع خاص جغرافیایی، آذربایجان محل مناسبی برای فعالیت فرقه‌های گوناگون دیگر بود که در تکاپوی کسب قدرت بودند.

نخستین گروه سیاسی-مذهبی، که تاریخ حضور ایشان در آذربایجان را ثبت کرده، «خوارج» هستند.<sup>(2)</sup> در دوره اموی، یعنی عصر عبد الملک،

ص: 43

---

1- .همو، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص 372.

2- .علی بن حسین مسعودی، پیشین، ج 2، ص 103-104 و 196.

خوارج مقیم آذربایجان، که به «شراة» معروف بودند، فعالیت‌هایی علیه امویان انجام می‌دادند. در دورهٔ عباسی، اسم خارجی، که به ابن شادلویه معروف است، قلمرو ابن ابی الساج را در «آذربایجان» و «اران» و «بیلقان» و «ارمنستان» تصرف کرد (1) و نخستین حکومت خارجی مذهب را در آذربایجان تشکیل داد. در عصر عباسی، قیام‌های محلی با عقاید مختلف در آذربایجان رخ نمودند. در زمان هارون الرشید، و جناء ازدی و صدقة بن علی بر دستگاه خلافت شوریدند و هارون خزیمه بن خازم را برای آرام کردن اوضاع به آذربایجان فرستاد. (2) از دیگر شورش‌ها، شورش منکجور بود که در زمان متوکل رخ داد. وی برادر زن افشین بود. (3) قیام بابک (4) از جملهٔ بزرگ‌ترین قیام‌های ضد عباسی بود.

سست شدن پایهٔ قدرت عباسیان موجب ایجاد حکومت‌های محلی در اغلب نقاط ایران شد. در آذربایجان، پس از سرکوب قیام بابک، برخی حاکمان محلی قدرت زیادی کسب کردند و نفوذ خود را گسترش دادند. اگرچه اینان به ظاهر، خطبه به نام خلیفهٔ بغداد می‌خواندند، ولی گاه گاه حکومت مستقلی داشتند و برخی نیز به فکر استقلال و قدرت می‌افتادند. (5) برای مثال، 2.

ص: 44

- 
- 1- همان، ج 2، ص 103-104.
  - 2- اهل شهرهای آذربایجان و کوره‌های آن از غیر عرب‌های آذری «الآذریه» و «جاودانیه» هستند که پیرو بابک بودند و بر عرب‌ها خروج کردند. ر.ک. علی بن احمد رسته، الاطلاق النفسیه، لیدن بریل، 1891، ص 272
  - 3- عبدالحسین زرّین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص 462
  - 4- احمد بن یحیی بلاذری، پیشین، ص 88.
  - 5- ایرج افشار سیستانی، نگاهی به آذربایجان شرقی، تهران، رایزن، 1369، ج 1، ص 132.

جهان پهلوان پسر الیگودرز نام خلیفهٔ عباسی را از خطبه انداخت (1) و این مسئله بارها توسط حکام گوناگون بنا به مصالح خاص زمان، روی داد.

اطلاعاتی که برخی سفرنامه‌ها در مورد عقاید مذهبی آذربایجان به دست می‌دهند، حاوی مطالب ارزنده‌ای هستند، بخصوص برای اثبات این نکته که تشیع به اشکال گوناگون، پیش از حملهٔ مغول در آذربایجان شناخته شده بود.

ابو دلف در سفرنامهٔ خود، که مربوط به قرن چهارم است، در مورد «بذ» که وی به صورت «بذین» آورده، چنین نوشته است: «... و نیز در این مکان، انتظار ظهور مهدی را دارند.» (2) نمونهٔ دیگر سفرنامهٔ ابن حوقل است که آن هم به قرن چهارم اختصاص دارد و در مورد گسترش اسماعیلیه در آذربایجان، دارای اطلاعات ارزنده‌ای است و- آن گونه که گذشت- برای مدتی حکومتی با عقاید اسماعیلی توسط امرای آل مسافر ایجاد گردید.

در کنار تشیع اسماعیلی، تشیع امامی نیز به تکاپوهای خود ادامه می‌داد.

با ظهور سلجوقیان، آذربایجان زیر سلطهٔ ایشان قرار گرفت، اگرچه سلاجقه نسبت به مذاهب اهل سنت سخت پایبند بودند، ولی در دورهٔ ایشان، «سنگر مذهب اهل سنت عمدتاً مشرق ایران بود، در صورتی که 7.

ص: 45

---

1- محمد میرخواند، تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوك و الخلفاء، تصحیح جمشید کیان فر، تهران، اساطیر، ج 1380، 7، ص 3600. نیز در مورد اتابکان آذربایجان، ر.ک. همان، ص 3596-3604.

2- ابو دلف، سفرنامه ابو دلف در ایران، تعلیق و تحقیق ولادیمیر مینورسکی، ترجمهٔ سید ابو الفضل طباطبائی، تهران، زوار، 1354، ص 47.

مراکز شیعه عموماً در عراق عجم و طبرستان قرار داشت» (1) و تشیع ظاهراً خود را با تمایلات عراقی مغرب ایران انطباق داده بود. در دوره سلجوقی، قبایل ترک به صورت گسترده به مناطق همجوار با امپراتوری بیزانس مهاجرت کردند. «آناتولی» مهم ترین مرکز این مهاجرت ها بود. بعدها این قبایل تأثیر فراوانی بر اوضاع سیاسی و اجتماعی آذربایجان نهادند. در این سرزمین ها، اهل سنت نسبت به بسیاری از مناطق ایران از قدرت کمتری برخوردار بودند. (2) (در صفحات بعدی بدان پرداخته خواهد شد).

## سقوط عباسیان

در سال 656 ه هلاکو، که از جانب خان مغول مأمور تکمیل فتوحات در غرب شده بود، طومار خلافت عباسیان را با تصرف بغداد و قتل آخرین خلیفه عباسی درهم پیچید. (3) با سقوط عباسیان، دامنه نفوذ اسلام سنتی به عنوان مذهب رسمی کاهش یافت و گروه های گوناگون توانستند آزادانه تر به نشر عقاید خویش بپردازند. در آن زمان، حساسیت مذهبی به مقدار

ص: 46

---

1- جی. آبیول، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، 1379، ج 5، ص 271.

2- همان، ص 277.

3- درباره سقوط بغداد و نقش احمد بن العلقمی، ر.ک. منهاج الدین سراج، طبقات ناصری، تصحیح عبد الحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، 1363، ج 2، ص 190-191-192. وی ابن العلقمی را مسئول سقوط بغداد و کشته شدن مستقیم می داند. نیز ر.ک. ابن العبری، مختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی، تهران، اطلاعات، 1364، ص 346-347/رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، ج 2، ص 707-716.

زیادی از بین رفت. در اواخر عصر عباسیان، گرایش های شیعی در برخی از خلفای عباسی همچون الناصر لدین الله نیز به چشم می خوردند.

همچنین در زمان حکومت سلطان محمد خوارزمشاه، تلاش هایی برای سرنگونی دستگاه خلافت عباسی و بیعت وی با يك علوی صورت گرفتند، ولی باز هم خلفای عباسی حامی اهل تسنن رسمی بودند. حمله مغول اگرچه مشکلات فراوانی به وجود آورد، ولی يك پیامد مثبت داشت و آن از بین رفتن حکومت عباسی بود. سقوط خلافت پانصد ساله عباسی، که نماینده مذهب اهل تسنن بود، جریان های مذهبی و فکری زیادی ایجاد کرد که گاه به صورت تصوّف و گاه در مذهب تشیّع متبلور گردیدند. (1) اصولاً محیط ایران عموماً و محیط آذربایجان خصوصاً- چنان که در صفحات گذشته مطرح شد- از آغاز تسلط اعراب، محیط چندان مساعدی برای مذهب سنّت نبود و همواره آثار توجه به تشیّع- اگرچه نامحسوس و جزئی- در خلال بسیاری از وقایع این سرزمین مشهود بود. روشن است که در چنین محیطی، پس از انقراض خلافت عباسی و زوال قدرت حامی مذاهب سنّت و روی کار آمدن حکومتی که اگر هم تمایل ظاهری به تشیّع نداشته باشد، از مذاهب سنّت هم طرف داری نمی کند، تا چه حد موجبات تبلیغ به نفع تشیّع را فراهم می آورد. (2) به جرئت می توان گفت: «شیعیان در فضای جدید، از نبودن خلافت عباسی خوش حال به نظر می رسیدند؛ چرا که آزادی بیشتری 36

ص: 47

---

1- میشل م. مزاولی، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، 1368، ص 2.

2- منوچهر مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، آگاه، 1370، ص 236

برای فعالیت های مذهبی خود داشتند. با این حال، این بدان معنا نبود که از سلطه مغولان راضی اند.» (1)

## سیاست مذهبی ایلخانان تا عصر محمود غازان

یکی از اعصار درخشان تشیع در آذربایجان و ایران، دوره حکومت «ایلخانان» می باشد. شیعیان پس از سقوط عباسیان، نسیم آزادی را حس کردند. «در شرایط تازه، شیعیان از آزادی عمل و اندیشه بیشتری بهره مند بودند؛ چرا که مغولان از اساس، اعتقادی به سخت گیری مذهبی نداشتند.

به همین دلیل، شمار شیعیان بسیار فراوان شد.» (2)

زمانی که هلاک بغداد را در محاصره داشت، دستور داد بر روی تیرها به عربی بنویسند که جان و مال رؤسا و پیشوایان علویان در امان است. (3) پس از این تاریخ، احترام به علویان از جانب حکام و عامه مردم گسترش یافت.

همچنین «از میان برداشتن خلافت بغداد از سوی مغولان بدان معنی بود که مذهب سنت برای نخستین بار، از کلیه جنبه های قدرت سیاسی محروم گشت و این تنها می توانست امتیازی برای مذهب شیعه باشد.» (4)

اما یکی از مهم ترین نتایج سقوط بغداد تحوّل در سیاست مذهبی بود؛ زیرا رژیم جدید مردم را به پیروی از دین بخصوصی وادار نمی کرد و

ص: 48

- 1- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، ص 64.
- 2- همان، ص 64.
- 3- ابن العبری، پیشین، ص 346-347.
- 4- جی. آبول، تاریخ ایران دوره تیموریان (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ج 5، ص 511.

همه خواستش این بود که از او کورکورانه اطاعت کنند و میان گروه مسلط و مردم، آرامش کامل برقرار باشد. (1) علامه مظفر می نویسد:

هنگامی که هلاکو حکومت و خلافت بنی عباس را منقرض ساخت، به همه مذاهب آزادی داد؛ از جمله مذهب اهل بیت علیهم السلام. در تمامی بلادی که زیر نفوذ او به سر می بردند، ادیان در زمان هلاکو خان آزاد بودند و فرزندان و نواده های او نیز به همین منوال، مذاهب را آزاد گذاشته بودند. اساسا برای حیات و زندگانی شیعه و حیات و پای داری مذهب اهل بیت علیهم السلام کافی بود صرفا به آن ها آزادی عمل اعطا گردد، اما حمایت از شیعه و تشیع و همیاری با آن از سوی وزیر و یا امیر را باید فوق خواسته ها و ایده مطلوب شیعه و تشیع برشمرد. (2)

در محیط جدید، شیعیان تمایل بیشتری به همکاری با حکام جدید نشان می دادند. در نتیجه، بسیاری از بزرگان شیعه در دستگاه مغول حضور یافتند. که عامل ترویج آن در میان قوم غالب و سایر مردم بودند، بخصوص از زمانی که آذربایجان پس از حمله مغول به عنوان مقر حکومت ایشان انتخاب شد تا رسمیت تشیع، نقش اساسی را در تحولات سیاسی و مذهبی در ایران بر عهده داشت. (در صفحات بعدی، بدان پرداخته خواهد شد). 1.

ص: 49

---

1- کامل مصطفی الشیبی، پیشین، ص 75.

2- محمد حسین مظفر، پیشین، ص 301.

با تشرّف محمود غازان به اسلام، (1) عصر جدیدی در حکومت ایلخانان در ایران آغاز شد. «جلوس سلطان محمود غازان بی تردید، نه تنها حکومت مغول در ایران را تبدیل به سلطنتی مأنوس و ایرانی می کند، بلکه از پرتو تحولات اجتماعی و دینی و خاتمه بخشیدن به تعصبات مذهبی حاد و محروم ساختن پیروان مذهب سنت از حمایت دولت و حکومت، زمینه را برای برخورد طبیعی آراء و عقاید مذهبی و ظهور تمایلات نهفته و سرکوفته ایرانیان و رشد آزادانه گرایش های علوی و شیعی آماده می سازد.» (2) در زمان وی، تشیع در آذربایجان بیشتر رشد کرد. غازان می کوشید تا حسن نیت خود را به شیوه های گوناگون اثبات کند. از این رو، «تمایل نمایانی نسبت به شیعه و اصول عقاید آن بروز می داد.» (3) بنا به تصریح تواریخ، غازان در سال 698 ه به زیارت مزار امیر المؤمنین علیه السلام مشرف شد و در جمادی الاولی سال 702، «مشهد امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کرد و پرده های باعظمت [که] فرموده بود تا به جهت آنجا ترتیب کرده بودند، درآویخت و صدقات بی اندازه به مجاوران و حاضران داد.» (4)

ص: 50

- 1- درباره قبول اسلام توسط غازان، ر.ک. رشید الدین فضل الله، پیشین، ج 2، ص 900-904.
- 2- منوچهر مرتضوی، پیشین، ص 60. رشید الدین فضل الله می نویسد: «قبول مخلصانه دین اسلام و تقویت بی قید و شرط شرع محمّدی با حذف و ردّ تعصبات افراطی مذهبی» و «گرایش قلبی و عملی به سلسله سادات و علویان و تقویت ضمنی مذهب تشیع». (رشید الدین فضل الله، تاریخ مبارک غازانی، به سعی و تصحیح کارل یان هر تفورد و استیفن اوسیتسن، 1940 م/1358 ه، ص 166-169 و 188-189).
- 3- همان، ص 190-191 ادوارد براون گرنویل، تاریخ ادبیات ایران (از سعدی تا جامی)، ج 3، ص 47.
- 4- رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، ج 2، ص 952.



پس از دو نوبت خواب نما شدن غازان، که در آن پیامبر و سه امام اول شیعیان را به خواب دید (1) و با ایشان به افتخار برادری نایل آمد، دوستی او با اهل بیت نبوت علیهم السلام زیادت شد و همواره جهت سبیل الحاج مددها می فرماید و مزارات خاندان را زیارت کند و نذرهای پذیرد و فرستد و سادات را عزیز و محترم دارد و صدقات و ادرارات در حق ایشان فرماید... و فرمود تا در تبریز و دیگر ولایات معظم... دار السیاده سازند تا سادات در آنجا فرود آیند... و دستور داد تا جهت مشهد حسین علیه السلام نهی جاری گردانند. (2) به دستور وی، اعقاب حضرت علی علیه السلام از پرداخت مالیات معاف شدند. (3) در زمان غازان، سید مهدی «نقیب النقباء» سادات آذربایجان بود که در چهارم جمادی الاول سال 704 وفات یافت و در تبریز به خاک سپرده شد. (4) 2.

ص: 51

- 1- «سلطان غازان در واقعه می بیند که پالهنگی بر گردن دارد و حضرت شاه ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از گردن وی برمی دارد. از این خواب بیدار می شود و متفکر بوده است که آیا تعبیر این واقعه چه باشد؟ (ملاّ محمد امین حشری تبریزی، پیشین، ص 103). درباره حمایت غازان از علویان، ر.ک. قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 354-355.
- 2- رشید الدین فضل الله، تاریخ مبارک غازانی، ج 2، ص 985. و نیز در سال 699 بر مرقد مطهر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام وقف نمود. (احمد بن جلال حوافی، پیشین، ج 2، ص 380).
- 3- برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمد میر آفتاب، تهران، علمی و فرهنگی، 1374، ص 245/ حمد الله مستوفی، تاریخ گزیده، به اهتمام عبد الحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، 1362، ص 32/ محمد میرخواند، پیشین، ج 5، ص 123.
- 4- ابو القاسم عبد الله بن محمد القاشانی، تاریخ اولجایتو تاریخ پادشاه سعید غیاث الدین و الدنیا الجایتو سلطان...، به اهتمام مهین همبلی، تهران، بنگاه ترجمه نشر کتاب، 1348، ص 42.

در گرایش غازان به تشیع، علاوه بر ملاحظات سیاسی و فردی، برخی علما و اطرافیان وی نقش خاصی بر عهده داشتند. حافظ ابرو درباره وی می نویسد:

غازان متفحص احوال دین و ملت بود و آزادانه استفسار می فرمود. جمعی امرا و ایناق، که میل به مذهب شیعه داشتند، از آن جمله طرمطاز بود؛ پسر بایجوبخشی که از کودکی باز در نزد حضرت غازان بزرگ شده بود و گستاخ و در ولایت ری در میان شیعیان نشو و نما یافته، پیوسته در حضرت غازان تقویت آن مذهب می کرد و چون خاطر پادشاه از آن غوغای عام-قتل يك علوی در نماز جماعت-متغیر شده بود، بدان سخنان که امیر طرمطاز گفتی، گوش کردی و اکثر در محل قبول می افتاد...

غازان را میلی تمام بدان طایفه بودی، اما هرگز از غایت کنایت اظهار نکردی و رعایت مصلحت عام فرمودی و کسی را زهره آنکه اظهار کند نبودی تا غازان خان را واقعه رسید. (1)

در مورد اینکه آیا گرایش وی به شعائر شیعیان موجب قبول تشیع توسط وی گردید یا نه، نمی توان نظر درستی ابراز کرد، ولی در زمان وی، اسامی ائمه شیعه بر روی سکه ها درج گردیدند. (2) به نظر خانم شیرین بیانی، حک اسامی دوازده امام برای اولین بار بر روی سکه ها، نشان دهنده اهمیت و رونق تشیع در این دوره است. (3)

ص: 52

- 
- 1- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ رشیدی، به کوشش خانابا بیانی، تهران، انجمن آثار ملی، 1350، ص 101. همان، ص 90-95.
  - 2- ر.ک. سید جمال طباطبائی، پیشین/بر تولد اشپولر، پیشین، ص 195.
  - 3- شیرین بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تهران، سمت، 1379، ص 223.

افکار و عقاید شیعیان در پایان فرمان‌روایی غازان آن اندازه میان مغولان رواج یافته بود که در سال 693 هـ/1304 م یکی از شیعیان به نام پیر یعقوب باغستانی به لباس مجتهدان شیعه در محافل و مجامع ظاهر می‌شد و برای شاهزاده الافرنگ تبلیغ می‌کرد. (1)

### الجایتو و تشیع نیمه رسمی

با آغاز حکومت الجایتو، دوره جدیدی در حیات تشیع آغاز شد. عصر حکومت وی یکی از اعصار در خشان تشیع در ایران و بخصوص آذربایجان است که تشیع تا آستانه رسمیت پیش رفت. منابع تاریخی در خصوص پذیرش تشیع از سوی وی و رسمیت آن، اخبار متناقضی به دست می‌دهند.

الجایتو ابتدا بر مذهب حنفی بود، سپس به ترغیب نظام الدین افضل، مذهب شافعی را پذیرفت. (2) بنا به نقل برخی منابع، بین علمای حنفی و شافعی درباره برخی مبادی فقهی، مناقشاتی در حضور سلطان روی دادند که کار به افتضاح کشید، (3) به گونه ای که سلطان و امرای مغول

ص: 53

---

1- برتولد اشپولر، پیشین، ص 195. آلفرنگ از شاهزادگان مغول بود که در عصر غازان، داعیه حکومت داشت، ولی شورش وی سرکوب شد و غازان به خاطر خدمات پدرش وی را بخشید. (همان، ص 253).

2- ابو القاسم عبد الله بن محمد القاشانی، پیشین، ص 96-97. نیز ر.ک. بوداق منشی تبریزی، جواهر الاخبار، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، میراث مکتوب، 1378، ص 104-105.

3- ابو القاسم عبد الله بن محمد القاشانی، پیشین، ص 97.

نزدیک بود حتی دست از مسلمانی بشویند. (1) در این بین، یکی از امرای مغول به نام طرمطاز، که شیعه مذهب بود، الجایتو را به پذیرش مذهب تشیع ترغیب کرد. در این باره، در تاریخ الجایتو آمده است:

ای پادشاه عالم! هیچ شك و شبهتی نیست که برادر تو غازان خان اعقل و اکمل پادشاهان و خردمندان بود. چون در جمله مذاهب اسلامی نظر کرد، مذهب شیعه بر همه اختیار کرد که از جمله نقایص و قبایح پاك است. پادشاه پرسید که مذهب شیعه کدام است؟ گفت: آنکه به رفض مشهور و مذکور است. گفت: ای غاثر... مرا رافضی می گردانی؟... از این مطارحه، در خاطر مبارك پادشاه دغدغه و در ضمیر منیر، زمزمه تردد افتاد و بدان مذهب او را رغبت... باعث شد. از هرکس تفحص می نمود، لکن بر رأی ترمناز [طرمطاز] اعتبار تمام نداشت. در اثنای این حالات، سید تاج الدین آوجی، (2) که از جمله اخلاط این معجون بود، با جمعی از ائمه شیعه به شرف بندگی پادشاه جهان پناه رسید و به اتفاق، او را بر رفض تحریض و ترغیب می نمود و مولانا نظام الدین عبد الملک... به گاه مناظره و مباحثه، بر ایشان رد می کرد و مالیده و نکوهیده می داشت. 5.

ص: 54

1- همان، ص 98.

2- در مورد سید تاج الدین آوجی، ر.ک. حافظ ابرو، مجمع التواریخ السلطانیه، به اهتمام محمد مدرس زنجانی، تهران، اطلاعات، 1364، ص 55.

و به حجت‌ها الزام می‌نمود و سلطان یقین‌مؤدّت و محبت‌علی و اهل‌بیت در دل و درون می‌کاشت و نقش دوستی ایشان بر صفحه‌خاطر می‌نگاشت. (1)

درباره‌ی ماجرای خواب‌الجایتو زمانی که در عراق عرب بود و از بغداد به قصد زیارت حضرت امیر علیه‌السلام عیثت کرد، آمده است:

به زیارت مشهد امیر المؤمنین علیه‌السلام مبادرت نمود و شب عارضه‌ای دید بشارت‌دهنده و رغبت‌انگیزنده به خلاص و نجات... بامداد به امرا و ایناقان دولت و مقرّبان حضرت خواب خود بازراند و مذهب شیعه اختیار کرد و گفت: ای اصحاب و نوکران! هرکه از شما با من درین طریقت و عقیدت موافقت نماید فبها، و هرکه طریقت مخالفت و مابینت سپرد بر وی هیچ حرج و اعتراض نیست... و فرمان نفاذ یافت تا تغییر خطبه کردند و نام صحابه کبار و ائمه ابرار از خطبه طرد کردند و نام علی و حسن و حسین ثبت در جمله اعمال عراق عرب، و سیم و زر که به سکه صحابه کبار مسکوک و مضروب بود به زعم شیعه و رغم انف سنت با سکه دوازده امامیه کردند در همه ممالک ایران، و شیعه در بانگ نماز «حیّ علی خیر العمل» بیفزودند....

فرمان نفاذ یافت از اطراف ممالک ایران، ائمه شیعه حاضر 8.

ص: 55

---

1- ابو القاسم عبد الله بن محمد القاشانی، پیشین، ص 99. نیز درباره‌ی الجایتو و تشیع، ر.ک. قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 355-359/ احمد بن محمد خوافی، پیشین، ج 3، ص 55-78.

شدند... از زمره ایشان، جمال الدین بن مطهر را پسندید (1) و به ملازمت خود اختیار کرد و باقی را با وطن مألوف اجازت انصراف داد و در همه اوقات، با جمال الدین بن مطهر در مناظره و مباحثه مسائل اصول کلام و فقه بودی؛ چنان که در خاطر پادشاه، ثابت و راسخ شد که جز علی و اهل بیت او از استخوان و اروغ (2) رسول صلی الله علیه و آله نبودند و باقی صحابه و امرا بیگانه. فرمود که چگونه جایز باشد که امرا قصد جان و استیصال خاندان اروغ کنند و عصیان و طغیان نکرده و ساهی و فحطی نبوده باشند؟! (3)

در گرایش وی به تشیع، علاوه بر تمایلات شخصی و سیاسی، برخی از علمای شیعه-چنان که قبلاً ذکر شد-مانند خواجه اصیل الدین طوسی، فرزند خواجه نصیر، (4) و سید تاج الدین آوجی (5) و برخی درباریان بی تأثیر 3.

ص: 56

---

1- درباره علامه حلّی و مناظره با علمای مذاهب، ر.ک. احمد بن حسین بن علی کاتب، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین، 1357، ص 78/ میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص 356-364/ محمد حسین مظفر، پیشین، ص 304.

2- نسل.

3- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، ص 102-103/ ابو القاسم عبد الله بن محمد القاشانی، پیشین، ص 100-101/ احمد بن حسین بن علی کاتب، پیشین، ص 78. بر سگه های الجایتو علاوه بر نام ائمه، کلام «علی ولی الله» نقش شده بود. ر.ک. سید جمال ترابی طباطبائی، پیشین، ص 11.

4- ابو القاسم عبد الله بن محمد القاشانی، پیشین، ص 198/ عباس اقبال، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران، نامک، 1376، ص 314-316.

5- حافظ ابرو، پیشین، ص 102-103.

نبودند. الجایتو با انتصاب سید تاج الدین ابو الفضل محمد به عنوان نقیب شیعیان، مستقیماً در اداره امور جامعه مذهبی شیعیان دخالت کرد. (1) وی «با پذیرش مذهب تشیع در سال 709 ه، احترام خود را نسبت به این مذهب، که در سراسر ایران در حال پیشرفت بود، نشان داد...» (2)

با پذیرش تشیع از جانب الجایتو، موقعیت شیعیان در آذربایجان، مقرر حکومت ایلخانان، بیش از پیش تثبیت شد. وی سعی در رسمیت یافتن تشیع نیز نمود. بدین دلیل، «حکم رفت که در تمامت ممالک ایران زمین تغییر کنند خطبه را و نام صحابه سه گانه... از خطبه بیندازند و بر نام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السلام اختصار نمایند و تغییر سگه کردند و در اذان، "حیّ علی خیر العمل" اظهار کردند.» (3) بدین سان، مذهب شیعه در تمام ایران از جمله آذربایجان رواج یافت. برخی از محققان از جمله آقای دکتر آلیاری معتقد است: ساختن «گنبد سلطانی»، که بر دیوارهای آن نیز نام حضرت علی علیه السلام به اشکال گوناگون نوشته.

ص: 57

- 
- 1- برتولد اشپولر، پیشین، ص 246.
  - 2- تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کمبریج)، زیر نظر پی. ام. هولت، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، 1378، ص 233.
  - 3- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، ص 103/ محمد خواندمیر، پیشین، ص 947/ یحیی حسینی قزوینی، لب التواریخ، به کوشش سید جلال الدین تهرانی، خاور، 1314، ص 147. ابن بطوطه در سفرنامه خود می نویسد: «فرمان داد که مردم را در همه جا وادار به قبول مذهب تشیع کنند و به شهرهای عراق عرب و عراق عجم و فارس و آذربایجان و اصفهان و کرمان و خراسان فرمان ها فرستاد و مأمورینی هم گسیل داشت تا این مهم را عملی گردانند.» (ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی مؤحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1337، ص 196-197).

شده، از جانب الجایتو برای انتقال پیکر مطهر امام علی علیه السلام به سلطانیه بوده است که بعدا بنا به صوابدید علمای شیعه، از آن اجتناب کرد. البته در برخی از مناطق، مقاومت هایی در برابر الجایتو صورت گرفتند؛ از جمله قزوین (1) و اصفهان. (2) در مورد اینکه آیا واقعا فرامینی مبنی بر رسمیت یافتن تشیع صادر شده اند، باید با احتیاط عمل کرد.

پذیرش مذهب شیعه اثناعشری از جانب الجایتو از سوی دهقانان و چادر نشینان شیعه مذهب ایالت های مغولی با استقبال مواجه گردید. گویا پس از پذیرش تشیع از طرف الجایتو به کار بردن اسامی سه خلیفه اول در آناتولی ممنوع گردید و حرکت های جدیدی در بین ترکان و مغولان به وجود آمدند (3) و مراکز شیعه گسترش بیشتری یافتند و شیعیان، بخصوص در آذربایجان، با آسودگی بیشتری به امور مذهبی پرداختند. موقعیت شیعیان چنان تثبیت شده بود که بنا به نوشته المفصل - که البته احتمالا خالی از اغراق نیست - حمیضا بن ابی نماء مکی در اواخر حیات الجایتو، به وی توصیه کرد که به مکه لشکرکشی کند و مقابر ابوبکر و عمر را ویران نماید. (4) اگرچه چنین اخباری بیشتر ساخته افرادی سطحی بین و احساسی هستند، ولی نشان از موقعیت برتر شیعیان در آن عصر دارند. 6.

ص: 58

- 
- 1- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، ص 78.
  - 2- احمد بن حسین بن علی کاتب، پیشین، ص 78.
  - 3- فاروق سومر، نقش ترکان آناتولی در تشکیل دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی، محمد تقی امامی، تهران، گستره، 1371، ص 14.
  - 4- برتولد اشپولر، پیشین، ص 196.



با تضعیف پایه های قدر ایلخانان، امرای بزرگ سپاه و حاکمان ولایات قدرت زیادی به هم زدند. از این حکومت های محلی، یکی هم «آل جلایر» بود که مدتی را تا حمله تیمور، بر عراق و آذربایجان مسلط بودند. آل جلایر از نوادگان «ایلکانویان»، یکی از سرداران هلاکو، بودند.

بنیانگذار این سلسله حسن معروف به «شیخ حسن بزرگ» است. بنا به نوشته برخی از پژوهشگران، آل جلایر دارای گرایش های شیعی بودند؛ البته شدت آن چندان روشن نیست. «در دوره جلایریان، مذهب مسئله ای بسیار پیچیده و غامض می باشد که چگونگی آن به درستی روشن و آشکار نیست. آنچه که مسلم است اکثریت مردم مملکت را اهل تسنن تشکیل می دادند، ولی اقلیتی بسیار مهم... شیعه بودند. از بعضی اشارات و شواهد، می توان دریافت که سلاطین جلایری نیز شیعه بوده اند؛ زیرا اغلب آنان و همچنین فرزندان ایشان به نام های مقدسین فرقه تشیع مانند علی، حسن و حسین، قاسم و غیره موسوم بودند.» (1)

ص: 59

---

1- شیرین بیانی، تاریخ جلایریان، تهران، دانشگاه تهران، 1345، ص 135. «در زمینه مذهب صبغۀ شیعی جلایریان به وضوح مشهود است. این امر از تمایل آنان به نام هایی مانند علی، حسن و حسین استنباط می شود و نیز از این نکته که شیخ حسن بزرگ، مؤسس سلسله، وصیت کرد او را در نجف دفن کنند.» (هانس روبرت رویمر، ایران در راه عصر جدید، ترجمۀ آذر آهنچی، تهران، دانشگاه تهران، 1380، ص 45. درباره تشیع آل جلایر، ر.ک. محسن الامین، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف، للمطبوعات، 1983 م/1403 ق، ج 13، ص 80 کلیفورد ادموند باسورث، سلسله های اسلامی، ترجمۀ فریدون بدره ای، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1349.)

شیخ حسن بزرگ، بنیانگذار این سلسله، در سال 757 در بغداد در گذشت و پس از برپایی تعزیتی بزرگ، در نجف اشرف به خاک سپرده شد؛ (1) زیرا وصیت کرده بود وی را در نجف دفن کنند. (2) به عقیده خانم دکتر شیرین بیانی، «به خاک سپردن شیخ حسن بزرگ در نجف و همچنین بعضی از اولاد وی، به ما نشان می دهد که در این زمان، جلایریان کاملاً آداب و رسوم ایرانیان را، که به مذهب تشیع عقیده داشتند، پذیرفته اند.

این ادعا را اسامی، که برای فرزندان خود بر می گزیدند، مانند علی، حسن و حسین، قاسم و غیره تأیید می کنند.» (3)

مرحوم حسین نخجوانی می نویسد: اغلب سلاطین و خواتین ایشان اشیای بسیار گران بها و زیبایی وقف اماکن مقدس نجف و کربلا می کردند. (4) در عهد ایشان، موقعیت سادات چنان اهمیت یافته بود که منصب نقیب النقبائ سادات و تولیت اوقاف دار السیادات مقام ارزشمندی به شمار می رفت. (5)

علامه مظفر می نویسد: حکومت ایشان «صرفاً حکومتی شیعه بوده است و آثار با ارزشی از خود در تشیع به جا گذاشتند.» (6) ولی باید گفت: 7.

ص: 60

- 
- 1- شیرین بیانی، تاریخ جلایریان، ص 31.
  - 2- ر.ك. هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 40.
  - 3- شیرین بیانی، تاریخ جلایریان، ص 31.
  - 4- حسین نخجوانی، چهل مقاله، به کوشش یوسف خادم هاشمی نسب، تهران، 1343، ص 136-137 و 168-169.
  - 5- همان، ص 195.
  - 6- محمد حسین مظفر، پیشین، ص 157.

گرایش سلاطین این سلسله به تشیع در این دوره، ضرورتاً شکل نمایشی و یا گرایش اتباع آن را به این مذهب در پی نداشت. (1)

در سال 759 سلطان اویس جلایری از بغداد به آذربایجان لشکر کشید و آنجا را تصرف کرد. (2) عصر حکومت وی یکی از اعصار درخشان پیشرفت آذربایجان در جهات گوناگون بود. از این زمان تا حمله تیمور، سه تن از اعقاب وی در آذربایجان و عراق حکومت کردند. 9.

ص: 61

---

1- تاریخ ایران دوره تیموریان (پژوهش دانشگاه کمبریج) زیر نظر ب.س.امورتی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، 1379، ص 19.

2- یحیی حسینی قزوینی، پیشین، ص 156-159.







ظهور تیمور در «ماوراء النهر»، در حکم پایان سلسله های محلی در ایران بود. یورش های چندین ساله وی طومار حکومت ها و سلاله های محلی را درهم پیچید. حملات تیمور از لحاظ مذهبی نیز پیامدهایی داشتند؛ زیرا با حمله تیمور، قدرت های سیاسی ایران مرکزی فرو ریختند و حامیان تسنن از میان رفتند.

آذربایجان در سال 788 ه ق به تصرف تیمور درآمد و بخشی از امپراتوری تیموری شد که توسط میرانشاه و پس از وی، پیر محمد سلطان بن عمر شیخ (1401/803 م) اداره می شد. [\(1\)](#) بدین روی، بررسی گرایش های مذهبی حاکمان تیموری برای روشن شدن برخی نکات تاریخ

ص: 65

---

1- . همان، ص/ 209 حافظ برو، زبدة التواریخ، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران، نشر نی، 1372، ج 1، ص/ 34 مهدی فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، تهران، انجمن آثار و مفاخر علمی، 1381، ص 64.

اهمیت دارد. در مورد گرایش های مذهبی تیموریان آنچه در وهله اول به نظر می رسد اعتقاد ایشان به مذاهب اربعه اهل سنت است. ولی «تشخیص علایق مذهبی تیمور دشوار است. وی معترف بود که برای علی علیه السلام و امامان شیعه احترام قایل است و گاهی بر مبنای ملاحظات مذهبی، به سنن حمله می کرد، اما گاهی هم بر مبنای اصول تسنن، به شیعیان حمله می کرد. روی هم رفته، وی یکی از پیچیده ترین چهره های تاریخ ایران و آسیای مرکزی است.» (1)

در تزوکات تیموری، که در حکم قانون اداره امپراتوری تیموری و حاوی نقطه نظرات این فاتح بزرگ است، چنین آمده:

مرتبه آل محمد را از جمیع مراتب برتر داری و تعظیم و احترام ایشان اسراف ندانی که هر چه از برای خدا باشد در آن اسراف نباشد. (2)

به هر صورت، تیمور به علویان توجه خاص داشت و در برآوردن حوایجشان اهتمام می ورزید. (3) البته در مورد اظهار دوستی حضرت علی علیه السلام از سوی تیمور و سایر حکمرانان، نمی توان عوامل سیاسی را 2.

ص: 66

---

1- دیوید مورگان، ایران در قرون وسطی، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، 1373، ص 127. درباره حمله تیمور به آذربایجان، ر.ک. محمد میرخواند، پیشین، تهذیب عباس زریاب، تهران، علمی، 1375، ج 6، ص 1043/ نظام الدین شامی، ظفرنامه، به اهتمام فلکس تاور، بیروت، مطبعة آمریکایی، 1937، ص 212-217/ عبد الرزاق سمرقندی، مطلع السعدین، تصحیح محمد شفیع، لاهور، 1365 هـ/ 1946 م، ص 641-643.

2- ابو طالب حسینی تربتی، تزوکات تیموری، تهران، افست از چاپ آکسفورد، ص 202.

3- کامل مصطفی الشیبی، پیشین، ص 161-162.



نادیده گرفت. تیمور می خواست تا آخرین حد ممکن، از ظرفیت ها و امکانات اتباع خود سود جوید. (1) به همین دلیل، می بینیم که در حین تسخیر دمشق، مردم را مورد ملامت قرار داده، می گوید:

همیشه [به]سمع ما می رسید که این مملکت چون مدتی در تحت حکم معاویه و یزید بوده و ایشان همیشه با اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله با داماد و برادر رسول، یعنی علی مرتضی و فرزندان خاتون قیامت، فاطمه زهرا-رضوان الله علیهم اجمعین- عداوت ورزیده و آنچه توانسته از جنگ و قتل و اسیر گرفتن درباره ایشان به تقدیم رسانیده و اهل شام با ایشان در آن معنی موافق بوده، بر آن اعتقاد تعجب می کردم که چگونه طایفه بهترین پیغمبران باشند... با خاندان او چنین بیدادی ها کنند.» (2) همچنین وی در بازگشت از شام، به زیارت مرقد امام موسی کاظم علیه السلام و در محرم 804 به زیارت مزار مقدس امیر المؤمنین علیه السلام پرداخت. اگرچه سلاطین و شاهزادگان تیموری بر مذهب حنفی بودند، ولی قرآینی در دست نیستند تا معتقدان به سایر مذاهب سنت یا مذهب تشیع را در فشار گذاشته، به پی روی از مذهب خاندان سلطنتی مجبور کرده باشند. (3) در واقع، می توان به جرئت گفت: تیمور و جانشینانش اعتقاد به فقه سنتی را با تمایلات صوفیانه شیعیانه، با هم داشتند. 2.

ص: 67

- 
- 1- همان، ص 160.
  - 2- نظام الدین شامی، پیشین، ج 1، ص 235.
  - 3- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، دانشگاه تهران، 1356، ج 1، ص 52.

عهد تیموری برای ترویج تشیع زمان مناسبی بود و شیعه اثنا عشری از این فرصت برای نشر عقاید و اظهار آزادانه مقالات خویش، خوب استفاده کرد. (1) البته به عقیده نویسنده کتاب ایران در راه عصر جدید، «در مجموع، در اواخر عهد تیموری، رجال اهل سنت در موقعیتی نبودند تا در منازعه با اکثریت رو به رشد شیعه یا جنبش های بدعت آمیز پیروز شوند.» (2) در این گیرودار، تشیع به طرف قوت و تسنن به جانب ضعف می رفت. تشیع از فرصت های به وجود آمده در قرن هفتم و هشتم به خوبی استفاده کرد، بخصوص -چنان که مطرح شد- احترام به ائمه اطهار علیهم السلام و سادات در این دوره گسترش چشمگیری یافت. (3)

در شامگاه تیموریان، که همزمان با تکاپوهای اسماعیل صفوی بود، تشیع حتی تا آستانه رسمیت پیش رفت. یکی از بحث برانگیزترین مسائل دوران زمام داری سلطان حسین بایقرا، آخرین حاکم قدرتمند تیموری، «سیاست مذهبی» اوست. برخی از منابع چنین اظهار داشته اند که حسین بایقرا خود به تشیع امامی گرایش داشت و درصدد بود که این مذهب را در قلمرو خود رسمیت بخشد. (4) عبد الرزاق سمرقندی در این باره می نویسد: 9.

ص: 68

1- همان.

2- هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 185.

3- عبد الرزاق سمرقندی، پیشین، ج 2، ص 127 و 259-290.

4- ر.ك. احمد گلچین معانی، «با برنامه یاتوزك باری»، نشریه فرهنگ خراسان، ج 4، ش 7 و 1342، ص 8، 104/عالم آرای صفوی، به کوشش ید الله شکری، تهران، اطلاعات، 1363، ص 285-288/عالم آرای شاه اسماعیل، به اهتمام اصغر منتظر صاحب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1349، ص 262-279.

جمعی کج نظران را در آینه اعتقاد چنان روی داد که (سلطان حسین بایقرا) میل و غلوی عظیم در مذهب رفض و تشیع خواهد داشت و طریقه پسندیده اهل سنت و جماعت را به یکبارگی خواهد گذاشت و در ابتدا، سعی بلیغ نمودند که خطبه را بر منابر اسلام به نام دوازده امام موشح سازند... سید علی واحد العین، که از "قاین قهستان" به وعظ اشتغال می نمود و در جانب رفض به غایت غالی بود، در روز عید... بر منبر اسلام برآمد و در تقویت مذهب شیعه، سخنان آغاز کرد. (1)

اگرچه رسمیت تشیع چند سالی به تأخیر افتاد، (در سال 907 ه) ولی همین وقایع حاکی از رشد تشیع در بین عامه مردم در جای جای ایران آن روز است که مقدر بود آذربایجان پرچمدار رسمیت آن در سراسر کشور شود.

### ترکمانان و آخرین تکاپوها

قبایل ترک، که در ناحیه «آنا تولی» استقرار یافته بودند، در امور سیاسی غرب ایران نقش عمده ای را پس از زوال «ایلخانان» به عهده داشتند. این قبایل غالباً در مرزهای بیزانس و دور از مراکز عمده مذهبی بودند و نیز برخوردار از ویژگی های قومی و طبیعی این ناحیه؛ از جمله اینکه افکار بکر مذهبی داشتند. از این قبایل، دو قبیله ترکمن «قره قویونلو» و «آق قویونلو» در اداره ایران غربی دارای اهمیت بودند و موفق به تشکیل

ص: 69

دو سلسله محلی شدند. تشیع به اشکال گوناگون، بخصوص در کسوت تصوف، در میان ایشان رواج داشت و آخرین تکاپوها را برای کسب موقعیت برتر انجام می دادند.

ملوک قره قویونلو مدت 63 سال از تبریز، ایران غربی و عراق را اداره کردند. (1) در این مدت، چهار تن، که ابتدای ایشان امیر قرایوسف بن قرا محمد (2) و آخرینشان امیر حسین علی شاه بن جهان شاه (3) بود، یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند. احتمالاً این خاندان از طایفه «ایوا» (4) از طوایف ترکمان «غز» بودند و مقرّ قدرتشان شمال دریاچه های «وان» و ارومیه بود و به تدریج، بر آذربایجان و دامنه های شرقی آناتولی استیلا یافتند. قرامحمد، بزرگ این خاندان، در خدمت سلطان اویس جلایری بود، اما پسرش قرا یوسف تبریز را مقرّ خود نمود و خود را مستقل ساخت، ولی حمله تیمور و مخالفت قرایوسف با وی موجب فرار او به مصر نزد ممالیک شد. (5) 0.

ص: 70

---

1- .محمد میرخواند، روضه الصفای ناصری، رضا قلی خان هدایت، تصحیح جمشید کیان فر، تهران، اساطیر، 1380، ج 12، ص 6327. نیز برای اطلاعات بیشتر درباره این خاندان، ر.ک. فاروق سومر، قراقویونلوها، ترجمه وهاب ولی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1369.

2- .درباره احوال قرایوسف، ر.ک. بوداق منشی قزوینی، پیشین، ص 63-65/ ابو بکر تهرانی، کتاب دیار بکر، تصحیح و اهتمام لوغال نجاتی و فاروق سومر، تهران، طهوری، 1356، ج 1، ص 31-135/ احمد بن محمد خوافی، پیشین، ج 3، ص 211-213.

3- .محمد میرخواند، پیشین، ص 6327-6330.

4- .شاخه ای از غزها بودند.

5- .کلیفورد ادموند باسورث، پیشین، ص 250.

در مورد علایق مذهبی قراقویونلوها، به درستی و قطعیت نمی توان نظر دارد. منابع متأخر آن ها را صرفاً شیعه می دانند، و حال آنکه منابع معاصر چنین نظر قاطعی ندارند، ولی می توان گفت: معتقدات شیعی در میان ترکمانان آسیای غربی در این زمان بسیار شایع بوده اند. (1) بسیاری از طوایف ترک در دوره مغول، نه فقط شیعه دوازده امامی شدند، بلکه در برخی مواقع، از حد معقول و معتدل تجاوز نمودند. برخی از محققان گرایش ایشان به تشیع را عمدتاً ناشی از تمایلات سیاسی می دانند. برای مثال، ژان اوین می نویسد:

بعضی از حکام این سلسله ها برای انتخاب آن [تشیع] به منظور به دست آوردن اتحاد پیروانش، نظر داشتند. (2)

البته در این امر، نباید از تمایلات شخصی این افراد و محیط فرهنگی آن عصر غافل شد. از اسامی حکام این سلسله، علاقه خاص آنان به حضرت علی علیه السلام و اولاد ایشان علیهم السلام قابل مشاهده است، اگرچه ایشان رسماً شیعه نبودند. (3)

برخی از مورخان متقدم، که عموماً اهل سنت بوده اند، در نوشته های خود، قراقویونلوها را به خاطر تمایلات شیعی بدعتگذار عنوان کرده اند؛ مثلاً، حافظ ابرو در زبدة التواریخ، در خصوص اوضاع آذربایجان در زمان حکومت قرايوسف و یورش شاهرخ به آذربایجان می نویسد:

[شاهرخ] بساط انصاف و معدلت بگسترده و در محافظت 4.

ص: 71

---

1- همان، ص 251.

2- ر.ك. میشل م. مزاولی، پیشین، ص 144.

3- فاروق سومر، پیشین، ص 14.

شهر و ولایت و رعایت مصالح رعیت و استمالت کافّه، بریت و نسق مهمّات دین و دولت مساعی مشکور به ظهور رسانید. امور ملک و ملت در سلك ارادت متّسق و منتظم گردانید و در تنفیذ قضای شرع و احکام دین مبالغه نمود و در تحریک و تعزیر مفسد و شریر برانداخت و امور شرعیه، از امر معروف و نهی از منکر، که مختل و مهمل گشته بود، به نظام آورد. غرض آنکه امور شرعیه و رونق اسلام، که از طریق مستقیم منحرف گشته بود، به سعی و اهتمام امیر مشارالیه، به قرار اصل باز آمد. (1)

از نوشته های حافظ ابرو، بر می آید که مسائل مذهبی در عصر قرا یوسف به طریق اهل سنّت نبوده است. ابن حجر درباره قرا یوسف می نویسد: وی لاقید و بی اعتنا به مسائل دینی بود. (2)

مهم ترین و مشهورترین فرد از این سلسله جهان شاه بود. وی در سال 840 ه به موجب یرلیغ (3) میرزا شاهرخ به حکومت آذربایجان رسید و از هفتاد سال عمر خود، 32 سال آن را حکومت کرد. (4) اغلب مورّخان جهان شاه را پیشرو گسترش و رسمیت تشیع دانسته اند و بر 1.

ص: 72

---

1- حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج 2، ص 739.

2- ر.ك. فاروق سومر، پیشین، ص 129.

3- کلمه ای است مغولی به معنای فرمان رسمی حکومت برای اداره بخشی از قلمرو حکومتی توسط افراد برگزیده و مورد اطمینان.

4- بوداق منشی قزوینی، پیشین، ص 66-71.

اساس این نظریات، سلسله او را باید پیشرو واقعی صفویان دانست (1) که بعدها مذهب شیعه را پایه و اساس نظام سیاسی خود قرار داد، تا آنجا که مسائل مذهبی آن عصر را به زمان ما نیز کشیده است. تردیدی وجود ندارد که قراقویونلوها دارای گرایش های طبیعی شیعی بود، ولی نمی توان تعصب شیعی آنان را، که در شخص جهان شاه به اوج رسید، پذیرفت. (2) حتی برخی محققان غربی انتساب جهان شاه به تشیع را مشکوک می دانند. (3)

در اینجا، جا دارد عقیده مینورسکی را در مقاله «اهل الحق» درباره جهان شاه یادآور شویم: وی می نویسد:

باید تأکید کرد که جهان شاه... برای سنیان يك بدعتگذار وحشتناك است. دوستانش به او لقب «سلطان العارفين» داده اند. (4) 8.

ص: 73

- 1- برای اطلاعات بیشتر درباره جهان شاه، ر.ك. عبد الرزاق سمرقندی، پیشین، ج 2/ ابو بكر تهرانى، پیشین، ج 2، ص 285-401 یوسف ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوك مصر و القاهرة، مصر، وزارت الثقافة، المؤسسة المصرية العامة، 1383 ق، ص 457-473.
- 2- ب.س. امورتی، پیشین، ص 174.
- 3- نویسنده کتاب ایران در قرون وسطی می نویسد: «در مورد تعلق دینی جهان شاه، بحث و مجادله فراوان صورت گرفته است. وی غالباً شیعه قلمداد شده و گفته می شود که در این زمینه نیز مانند عرصه های دیگر با آق قویونلوها... مخالف بوده است، اما اکنون به نظر می رسد که این دیدگاه برداشت نادرستی از آن شرایط است. درست است که در دوران زمام داری او تشیع مورد لطف و عنایت بوده و گاهی نیز عبارت های شیعی بر سکه ها ضرب شده است، اما در این دوره، که شاهد سیلان مذهبی در خور توجهی هستیم، به نظر نمی رسد که ابراز ارادت و احترام به علی علیه السلام با سنیگری کما بیش ارتدوکس ناسازگار باشد.» (دیوید مورگان، پیشین، ص 140).
- 4- ر.ك. هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 228.

ابن تغری بردی وی را متهم به زندقه کرده (1) و سخاوی وی را لاقید و بی اعتنا به مسائل دینی دانسته است. (2)

مسجد «کیود» تبریز، که یادگار جهان شاه است و به سال 870 ه ساخته شده، یادآور رواج تشیع است. در این مسجد، نام «علی ولی الله علیه السلام» و حسنین زینت بخش قسمت های گوناگون مسجد است. همچنین از جهان شاه سکه هایی با شعائر شیعه در دست هستند که نشان دهنده تمایلات شیعی در وی می باشند. (3)

از اعضای دیگر این خاندان، اسپند برادر جهان شاه بود که از جانب وی، بر بغداد حکومت می کرد. وی تشیع اثنا عشری را مذهب رسمی بین النهرین اعلام کرد-البته این مسئله بدون رضایت و آگاهی جهان شاه نبوده است. منابع مورد بررسی درباره چگونگی رسمیت تشیع می نویسند: اسپند مناظره ای مذهبی از علمای فرق ترتیب داد. در این مجلس، علمای شیعه بر علمای سنی پیروز شدند و اسپند به طور رسمی، به تشیع امامی گروید. (4) در این جریان، یکی از علمای مشهور شیعه، به نام احمد بن فهد حلی تأثیر غیر قابل انکاری داشت. (5) اسپند 9.

ص: 74

- 
- 1- ابن تغری بردی، ج 6، ص 457-473.
  - 2- محمد بن عبد الرحمن سخاوی، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، قاهره، مكتبة القدس، 1354 ق، ص 80.
  - 3- ر.ك. سيد جمال ترابی طباطبائی، «سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران»، پیشین، ش 7، ص 14. همچنین از پسر وی، حسن علی، آخرین حاکم این خاندان، سکه هایی با شعائر شیعی موجودند. (همان، ص 18/ همان، ش 1350، 5، ص 157).
  - 4- ب.س. امورتی، پیشین، ص 174.
  - 5- قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ص 241/ میشل م. مزای، پیشین، ص 29.



شیعه ای بود که صرفاً به نام دوازده امام سگه ضرب نکرد، بلکه اگر از روی دیوانی که منسوب به وی است، داوری کنیم، دغدغه های صادقانه مذهبی او را درمی یابیم. (1)

از دیگر حاکمان این سلاله، اصفهان میرزا، حاکم بغداد، بود که دستور داد به اسم دوازده امام خطبه خواندند و سگه زدند. (2)

در تأیید مطالب یاد شده، باید گفت: سلطان قلی، نوه یکی از برادر زادگان جهان شاه، که از همدان به هندوستان رفت، سلسله «شیعه قطب شاهیه» را بنیان نهاد. (3)

از لحاظ مذهبی، قراقویونلوها رقیب صفویه محسوب می شدند، اگرچه قراقویونلوها عقاید رزمنده شیعی، آن گونه که در صفویان و قزلباش بود، نداشتند، اما سعی در متحد کردن سران قوم بر پایه عقاید شیعی داشتند و بنابراین، احتمال برخورد آن ها با صفویان به دلایل ایدئولوژیکی بسیار بود. (4) برخی عقیده دارند که «سلوک مذهبی و شیوه های جهان شاه الگوی زندگی و اعمال شاه اسماعیل بوده است.» (5)

پس از قراقویونلوها، آق قویونلوها جای ایشان را گرفتند. حسن بیک (6) و

ص: 75

- 
- 1- ب.س.امورتی، پیشین، ص 308.
  - 2- فاروق سومر، پیشین، ص 308.
  - 3- هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 229.
  - 4- راجر سیوری، ایران در عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، 1374، ص 16.
  - 5- ب.س.امورتی، پیشین، ص 309.
  - 6- درباره حسن پادشاه، ر.ک. عبد الرزاق سمرقندی، پیشین، ج 2، ص 1366-1376 ابو بکر تهرانی، پیشین، ج 1 و 2/ بوداق منشی قزوینی، پیشین، ص 73-97 محمد میرخواند، پیشین، ج 4، ص 429-467.

جانشینانش، که جمعاً نه نفر بودند، تا برآمدن صفویه از تبریز، اداره مناطق غربی و مرکزی ایران را به دست گرفتند. اگرچه برخی از مورخان ایشان را سنی مذهب می‌دانند، ولی برخی اشارات نشان دهنده عکس این مطالب هستند. برای مثال، فضل‌الله بن روزبهان در عالم آرای امینی، پس از اینکه از ملوک مخدوم خود تمجید می‌کند، اجداد ایشان را به خاطر آنچه او «کارهای ناشایست» و «رابطه با بدعت‌گرایی» می‌نامد، مورد ملامت قرار می‌دهد. (1) اوزون حسن، بنیانگذار حقیقی این سلسله، «سادات و مشایخ را تکریم و تعظیم می‌نمود.» (2) درباره گرایش‌های مذهبی حسن بیگ، والتر هینتس از محمد مصحح الدین لاری انصاری به نقل از کتاب مرآت الادوار و مرقات الاخبار حکایتی جالب نقل می‌کند:

اوزون حسن عقاید خود را در کتابی جمع کرده بود و آن را بر علمای دربار خود عرضه کرد. «حضار از شنیدن مضامینی که قرائت شده بود غرق حیرت شدند، اما هیچ کس جسارت نکرد عقیده خود را ابراز کند، مگر مولانا علی فرمه اصفهانی که از علما و روحانیون محترم و با نفوذ روزگار خود بود. او گفت: آنچه شنیده شد جز مطالب نامربوط و گزافه نیست و سخنانی از این قبیل پایه و اساس ندارد.» از مجموع این داستان، چنین استنباط می‌شود که اوزون حسن در باطن، به آیین درویشان رغبت 9.

ص: 76

---

1- ر.ك. ميشل م. مزاولی، پیشین، ص 143-144.

2- بوداق منشی قزوینی، پیشین، ص 219.

داشت. (1) «اگر بتوان، جرئت کرد و از آنچه گفته شد نتیجه گرفت که اوزون حسن شخصا به صوفیگری و از آن طریق به تعالیم شیعی نزدیک بوده است، از طرف دیگر، این نیز قطعی است که او مذهب شیعی نداشته است، لاقلاً در ظاهر؛ زیرا دشمن او جهان شاه بدین اعتقاد بوده است.» (2)

به هر حال، در روزگار آق قویونلوها، «دوازده امام در اعتقادات عامه به هیچ وجه ناشناخته نبود.» (3) برای مثال، از اوزون حسن سکه‌هایی در دست هستند که نام ائمه شیعه علیهم السلام و کلام «علی ولی الله» علیه السلام بر آن‌ها نقر شده اند. (4) در عصر ترکمانان، تشیع آخرین تکاپوهای خود را برای تسخیر افکار و قلوب عامه انجام داده و زمینه مساعدی برای پیروزی تشیع فراهم شده بود.

### صوفیه؛ وامدار ده قرن تکاپو

زمانی که سخن از تشیع و رسمیت آن به میان می‌آید، بسیاری بی‌اختیار بدین فکر می‌افتند که شاه اسماعیل تشیع را در ایران رسمیت داد. درست است که این امر به دست صفویه ظاهر شد، ولی -چنان که در صفحات قبل مطرح شد- اوضاع مذهبی در ایران و بخصوص آذربایجان، اصولاً با

ص: 77

- 
- 1- والتر هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، 1377، ص 156.
  - 2- همان، ص 157.
  - 3- هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 276.
  - 4- ر.ک. سید جمال ترابی طباطبائی، «سکه‌های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران»، پیشین، ص 36.

اوضاع مذهبی قسمت های عرب نشین غرب سرزمین های اسلامی تفاوت های بسیاری داشت و تسنن ظاهری در مناطقی همچون آذربایجان تفاوت های زیادی با تشیع پس از صفویه نداشت و در این مناطق، تشیع به صورت های گوناگون، از ورود اسلام تا ظهور اسلام مردمی، به چشم می خورد.

«صفویان»، از اعقاب شیخ صفی الدین اردبیلی، در ابتدا-چنان که بسیاری از منابع متقدم و محققان معاصر معتقدند- شیعه امامی نبوده اند.

ابن بزّاز درباره علایق مذهبی شیخ صفی الدین زمانی که از وی در مورد مذهبش پرسیدند، می نویسد: شیخ فرمود: «ما مذهب صحابه داریم و هر چهار را دوست داریم و هر چهار را دعا کنیم.» (1)

باسورث در این باره می نویسد:

با آنکه خود وی به احتمال بسیار، مذهب سنت داشت، پیروان وی در منطقه ای که شیعیگری رواج داشت، قدرت یافتند. (2)

قاضی نور الله شوشتری وی را جزو بزرگان صوفیه شیعه آورده است. (3)

شیخ صفوی در عصر ایلخانان می زیست و روابط حسنه ای با دربار ایجاد کرده بود و طرف توجه و احترام ایشان بود.

چگونگی تغییر و تبدیل مذهبی این طریقت چندان روشن نیست، ولی مسلم است که شیوخ متأخر این طریقت، بخصوص از خواجه علی به بعد، به تشیع گرایش یافته اند. شیخ عبد اللطیف درباره عقاید شیخ جنید بدو3.

ص: 78

---

1- ابن بزّاز، صفوة الصفا، تصحیح غلامرضا طباطبائی، مجد، مصحح، 1373، ص 886.

2- کلیفورد ادموند باسورث، سلسله های اسلامی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1349، ص 256.

3- قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 43.

گفت: «تو با این اعتقاد کافری و هرکس نیز که با این اعتقاد به تو بگردد، او نیز کافر می شود!» (1)

تکاپوهای آشکار نظامی این طریقت برای کسب قدرت دنیوی، از زمان جنید شکل آشکارتری یافتند و موجب رویارویی با قدرت حاکم گردیدند. جهان شاه، جنید را نفی بلد نمود و جنید رهسپار دیار «بکر» نزد اوزون حسن گردید. (2) البته این مسئله بارها برای شیوخ این سلسله اتفاق افتاده است؛ مثلاً، ملک اشرف چوپانی شیخ صدر الدین را بنا به دلیلی که آن را «تحصیل شرف» نامید، از آذربایجان اخراج نمود. (3)

اسماعیل صفوی حرکت تاریخی خود را در سال 906 هـ آغاز کرد و در مدتی اندک، تبریز و تمامی آذربایجان و سپس ایران را متصرف شد. تشکیل دولت صفوی یکی از حوادث مهم تاریخ جهان اسلام است.

مهم ترین نتیجه این حادثه ایجاد مرکزی جدید در عالم اسلامی در قالب مذهب تشیع و اعلام حضور رسمی آن در عالمی بود که تا پیش از این، تسنن هرچند به ظاهر بر آن حاکمیت مطلق داشت.

شاه اسماعیل صفوی در سال 907 هـ/1501 م تبریز را بدون مقاومت تسخیر نمود. تصرف تبریز اعلان رسمی تشیع در آذربایجان و سپس تمام نقاط ایران را در پی داشت و این نوشته ملاً محمد امین حشری تبریزی که 3.

ص: 79

---

1- عاشق پاشازاده، تواریخ آل عثمان، به اهتمام علی بیك، استانبول، 1332، ص 265.

2- امیر محمد خواندمیر، ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، ترجمه غلامرضا طباطبائی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، 1370، ص 59-60.

3- همان، ص 52-53.

«از اول، بنای تبریز را به تشیع نهاده اند»، (1) عینیت یافت. جریان امر بدین صورت بود که پس از برخورد های نظامی و پیروزی های اولیه «قزلباش»، اوضاع برای تسخیر تمام آذربایجان مساعد بود. از برخی اشارات عالم آرای صفوی چنین به نظر می رسد که وی عزم خود را برای رسمیت تشیع جزم کرده بود و در جواب نامه الوند آق قویونلو می نویسد:

مرا داعیه سلطنت و جهانگیری نیست و می خواهم دین آبا و اجداد و حضرات ائمه معصومین - علیهم السلام - را رواجی بدهم و تا جان داشته باشم، در راه دین مبین شمشیر بزنم که تا حق به مرکز خود قرار بگیرد و می باید از روی صدق و صفا و اعتقاد درست، دست به دامن پاک حضرت زده و زبان را به ذکر این کلمه طیبه «علی ولی الله» جاری گردانی.... (2)

اگرچه قوای قزلباش از هفت هزار تن تجاوز نمی کرد، (3) اما با شور و شوقی که داشتند، آخرین مقاومت های قوای آق قویونلو را درهم شکستند و راه تسخیر تبریز هموار شد. اسماعیل پس از استقرار در تبریز، تصمیم خود را مبنی بر رسمیت تشیع آشکار کرد، ولی این تصمیم ناگهانی در برقرار مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی، با وجود آنکه تشیع سابقه ای طولانی و همپای اسلام در آذربایجان داشت، بسیار متهورانه بود. وقتی 2.

ص: 80

---

1- ملا محمد امین حشری تبریزی، پیشین، ص 32، تاج گذاری شاه اسماعیل اول در 11 مارس 1502.

2- عالم آرای صفوی، ص 62/ عالم آرای شاه اسماعیل، ص 58.

3- ر.ک. محمد میرخواند، روضه الصفای ناصری، ج 12، ص 6352.

همراهان خود را از تصمیمش آگاه ساخت، اضطرابی در آن ها ایجاد شد و حتی بعضی از علمای شیعی تبریز را متوحش نمود. ایشان در ملاقاتی که با شاه اسماعیل داشتند، خطرات احتمالی این اقدام را گوشزد کردند؛ از جمله اینکه سه چهارم جمعیت تبریز-هرچند به ظاهر- سنی مذهبند. (1)

دویست، سیصد هزار خلق، که در تبریز است، چهار دانگ آن همه سنی اند و از زمان حضرت تا حال، این خطبه را کسی بر ملا نخوانده و می ترسیم که مردم بگویند که پادشاه شیعه نمی خواهیم و-نعوذ باللّه-اگر رعیت و سپاهی برگردند، چه تدارک در این باب توان کرد. (2)

اما جواب اسماعیل نشان دهنده عمق شناخت وی از اوضاع و گرایش های مذهبی مردم زمانش بود:

ائمه معصومین همراه منند و من از هیچ کس باک ندارم. (3)

این در حالی بود که شاهزادگان آق قویونلو سرگرم جمع آوری نیرویی بودند که چندین برابر نیروی قزلباش بود و تصمیم متهورانه اسماعیل زمانی نمود بیشتری پیدا می کند که وی با در نظر گرفتن این امر و نیز احتمال شورش، از تصمیم خود منصرف نشد. راستی چرا؟ جواب این سؤال روشن کننده همه ابهامات در مورد رسمیت تشیع است و آگاهی اسماعیل را به اوضاع عقیدتی جامعه آن روز-دست کم در آذربایجان-ن.

ص: 81

---

1- نظام الدین مجیر شیبانی، پیشین، ص 89.

2- عالم آرای صفوی، ص 64/عالم آرای شاه اسماعیل، ص 60.

3- همان.

تأیید می نماید؛ بخصوص اینکه هیچ مخالفت جدی از سوی مردم در قبال رسمیت آن صورت نگرفت و نیز شورش آشکاری را شاهد نیستیم، دلیل بر ردّ نظر بسیاری از محققان داخلی و غربی است که ترویج تشیع را توسط صفویه و به جبر و قدرت نظامی می دانند. (1) همچنین اگر این مطلب صحّت داشت پس از نبرد «چالدران» و تصرف تبریز توسط قوای عثمانی، می توانست مشکلات فراوانی برای صفویان ایجاد نماید. با قدری انصاف - آن گونه که در صفحات قبلی نیز مطرح شد - می توان گفت که طی دو قرن، زمینه برای پذیرش تشیع آماده شده بود؛ زیرا در این دو قرن، اسلام مردمی چنان در مناطق شمال غربی ایران و آناتولی گسترش یافته بود که اثری از تسنن رسمی دیده نمی شد.

احمد رفیق درباره ظهور شاه اسماعیل می نویسد:

قیام شاه اسماعیل گرایش به تشیع را به نحو بارز آشکار کرد. (2)

در واقع، به جرئت می توان گفت: مؤسسان دولت صفوی زیرکانه از آرمان ها و آمال عمیق باطنی مردم بهره برداری کردند و مهارت و نبوغ سیاسی خود را آشکار ساختند. (3) رسالتی را که اسماعیل سیزده ساله از رسمیت تشیع در آذربایجان و ایران برای خود احساس می کرد، باید نماینده گرایش کلی جامعه ایران به تشیع، به تبع عشق و علاقه به اهل 8.

ص: 82

---

1- بسیار از محققان متأخر بدون در نظر گرفتن بسیاری از واقعیات تاریخی، در نوشته های خود به رواج تشیع با جبر و زور تأکید دارند.

2- رفیق احمد، «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم/ شانزدهم»، ترجمه توفیق سبحانی، معارف، دوره دهم، ش 1، 72، ص 67.13

3- والتر هینتس، پیشین، ص 8.



بیت علیهم السّلام دانست. چگونگی وقایع و رویدادهای مربوط به این جریان در منابع متقدّم تقریباً یکسان ثبت شده است.

بنا به نوشته های این منابع، در یکی از روزهای جمعه سال 907، مسجد «جامع» تبریز شاهد رویدادی بود که مسیر تاریخ ایران را شکلی دیگر داد و گل دسته های مسجد اذان به شیوه شیعی را برای همیشه در سراسر آذربایجان جاودانه ساختند.

هم در اوایل جلوس امر کرد خطبای ممالک خطبه ائمه اثنی عشر -علیهم صلوات الله الملك الا-کبر- خوانند. «اشهد انّ علیاً ولی الله» و «حی علی خیر العمل»، که از آمدن سلطان طغرل بن میکائیل بن سلجوق و فرار نمودن بساسیری (1) - که از آن تاریخ تا سنه مذکوره 528 سال است - از بلاد اسلام برطرف شده بود، با اذان ضمّ کرده، بگویند و فرمان همایون شرف نفاذ یافت. (2)

ص: 83

1- وی در عصر عبّاسی، مدتی بغداد را در تصرف داشت و برای فاطمیان مصر تبلیغ می کرد.

2- حسن بیک روملو، احسن التواریخ، تصحیح عبد الحسین نوایی، تهران، بابک، 1357، ص 86/ خورشاه بن قباد حسینی، تاریخ ایلچی نظام شاه، تصحیح محمّد رضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1379/ بوداق منشی قزوینی، پیشین، ص 242/ غبّاث الدین خواندمیر، حبیب السیر، تهران، خیام، ص 467-468/ منشی اسکندر بیک، عالم آرای عبّاسی، تصحیح محمّد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، 1377، ج 1، ص 47/ محمّد یوسف والی اصفهانی، خلد برین، به کوشش میر هاشم محدّث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، 1372، ص 122-123/ سید فخر الدین موسوی اردبیلی نجفی، تاریخ اردبیل و دانشمندان، اردبیل، شیخ صفی الدین، 1378، ج 1، ص 75/ باریارو جوزافا و دیگران، سفر نامه های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، 1349. درباره اذان به روش شیعه، ر.ک. عبد الجلیل قزوینی رازی، النقض بعضی مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، تصحیح جلال الدین حسینی ارموی (محدّث)، سپهر، 1331، ص 67-69.

روز جمعه شاه اسماعیل به مسجد جامع تبریز رفت و مولانا احمد اردبیلی، که یکی از اکابر شیعه بود، بر سر منبر رفت و شروع به خطبه خواندن نمود، چون خطبه خواند، غلغله از مردم برخاست، اما دو دانگ آن شهر شکرها کردند... (1)

و دین حق رواج تمام پیدا کرد. (2)

ایران، امروز يك کشور شیعی مذهب است. مسئولیت مستقیم این امر را دسته ای بر عهده شاه اسماعیل می گذارند و برخی اعتقاد دارند که انگیزه های اسماعیل در واقع، به مفهوم غربی مدرن آن، «سیاسی» بود (3) تا هویتی ممتاز و متمایز به حوزه حکومت خود ببخشد. دولتی با آرمان های مذهبی و سرشار از جذبه و عاطفه شدید دینی تشکیل شد که با بسیاری از آرمان های عمیق نهانی مردم ایران موافق بود. حبّ خاندان علی علیهم السلام، که جبهه مظلومیت و حق طلبی بودند، قرن ها در رگ و پی مردم ریشه دوانده بود. بارها در گوشه و کنار ایران، حکومت های محلی شیعی روی کار آمده بودند، اما دوام چندانی نداشتند تا سرانجام، پس از قرن ها تکاپو، این بار آذربایجان برای همیشه سرنوشت مذهبی ایران را همچون همه اعصار رقم زد. 2.

ص: 84

---

1- دیوید مورگان، پیشین، ص 163/ ذبیح الله صفا، پیشین، ج 4، ص 33/ عالم آرای صفوی، پیشین، ص 64-65/ عالم آرای شاه اسماعیل، ص 60.

2- امیر محمود خواندمیر، پیشین، ص 126.

3- دیوید مورگان، پیشین، ص 162.

برخی از محققان معتقدند: «تشکیل دولت صفوی ظهور و تکوین ایرانی ترین و ضد عربی ترین مذهب اسلامی» (1) را در پی داشت که این با توجه به تاریخ تشیع و چگونگی رویدادها، امری غیر قابل پذیرش می نماید.

با توجه به آنچه تا اینجا ذکر شد، می توان گفت: تشیع در آذربایجان پیش از صفویه، حضوری فعال داشت و همیشه روبه رشد بود و ظهور صفویه آن را جنبه آشکار رسمی بخشید و موجب شد تا فلسفه و فقه شیعه رونق بی سابقه ای بگیرند. دلایل این رشد و توسعه تشیع در صفحات بعدی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. می توان گفت: اگر تشیع توسط شاه اسماعیل هم رسمی نمی شد، در چارچوب اسلام مردمی، حرف اول را دست کم در آذربایجان می زد. 9.

ص: 85



## فصل 5 - مهم ترین عوامل مؤثر در گسترش تشیع

اشاره

ص: 87



## نقش علمای شیعه در گسترش تشیع در آذربایجان

علمای شیعه در طول تاریخ اسلام، نقش اصلی را در تبیین و دعوت به تشیع و گسترش آن عهده دار بودند. این نقش در دوره ایلخانان بسیار چشمگیرتر بود. بی شک، مهاجرت علمای نامدار شیعه در زمان ایلخانان به آذربایجان، نقش مهمی در گسترش تشیع در این منطقه به عهده داشت.

با انتخاب آذربایجان به عنوان مرکز سیاسی قلمرو ایلخانان، بسیاری از علما و دانشمندان نامدار آن عصر راهی آذربایجان شدند و زمینه مساعدی هم که فضای باز مذهبی آن عصر داشت، به ایشان این امکان را داد تا افکار خود را با آزادی بیشتر ابراز نمایند. در ضمن، بسیاری از درباریان هم شیعه مذهب بودند. (1)

در این دوره، «مذهب تشیع، که با اصول سرّی اش هدایت می شد،

ص: 89

---

1- رسول جعفریان، تاریخ ایران اسلامی، دفتر سوم، ص 97.

تحت رهبری يك سلسله از رهبران باتقوا و گاه گداری موقع سنج، به مبارزه بی امان خود ادامه داد.» (1) در واقع، با برافتادن عباسیان، شاهد متجلی شدن تشیع در دو گروه هستیم:

1. گروهی که بیشتر به مسائل اصیل توجه می کردند.

2. گروهی که به حرکت های سیاسی-نظامی پرداختند. از این دسته، «سربداران» را می توان نام برد.

به عقیده نگارنده، نقش عمده را در گسترش تشیع در سده های بعد، گروه اول به عهده گرفتند. افرادی همانند خواجه نصیر الدین طوسی، علامه مطهر حلّی، ابن مکی، سید حیدر آملی و ابن فهد سعی داشتند تا فقه شیعه را غنا بخشند و زمینه گسترش آن را فراهم آورند. (2)

بی شك، یکی از بزرگ ترین علمای شیعه خواجه نصیر الدین طوسی است که سرآمد دانشمندان عصر خود بود. وی، که ابتدا در خدمت اسماعیلیان بود، پس از ورود به دستگاه دیوان سالاری مغول، نقش عمده ای در گسترش تشیع ایفا کرد. او به عنوان يك فیلسوف عظیم الشان و رئیس «رصدخانه مراغه» و منجم هلاکو خان، وظیفه اداره موقوفات سراسر قلمرو ایلخانان را به عهده داشت. (3) خواجه با در دست گرفتن اوقاف، در تقویت نیروی

ص: 90

---

1- .میشل م. مزاولی، پیشین، ص 28.

2- .همان، ص 20.

3- .ابن العبری، پیشین، ص 380-381. درباره نقش خواجه نصیر الدین در گسترش تشیع، ر. ک. سید حسین امین، «خواجه نصیر الدین طوسی و نقش او در گسترش تشیع و حفظ آثار اسلامی»، ترجمه مهدی زندیه، فصلنامه تخصصی شیعه شناسی، ش 5، (بهار 1383)، سال دوم، ص 67-85/قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 201-210/یحیی بن عبد اللطیف حسینی قزوینی، پیشین، ص 141-142.



اقتصادی شیعیان، نقش مؤثری ایفا کرد. (1) در واقع، وی نقش واسط را میان شیعیان و ایلخان به عهده داشت و به تدریج، نزد ایلخان نفوذ زیادی یافت و توانست میان او و شیعیان روابط حسنه برقرار کند و بدین سان، شرایط مناسبی برای فعالیت دانشمندان شیعی به وجود آمد. (2)

خواجه نصیر الدین روحانیان و دانشمندان شیعه را از گوشه و کنار گرد آورد و اعتبار علمی و اجتماعی آنان را، چه در برابر دستگاه حاکم، چه در برابر مردم، به پایگاه بلندی رسانید و از آنان يك گروه فعال سیاسی تشکیل داد که در شهرهای خود و دربار و بین اشراف فنودال ایلی، به توسعه و تقویت دین خود می پرداختند. با بازگرداندن اوقاف شیعیان، که سنیان در گذشته آن ها را ضبط کرده بودند، نیروی اقتصادی شیعه تقویت شد و چون روحانیان شیعه همانند روحانیان سنی از پرداخت عوارض و مالیات ها معاف شدند، بر اعتبارشان افزوده گردید. (3)

تأثیر وی بر جامعه علمی و فرهنگی ایران و آذربایجان چنان عمیق بوده که نویسنده شافعی کتاب سفینه تبریز مقالات وی را جای جای کتاب خود درج کرده است. (4)

ص: 91

- 
- 1- شیرین بیانی، تاریخ جلایریان، ص 239.
  - 2- برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ص 245.
  - 3- شیرین بیانی، تاریخ جلایریان، ص 239.
  - 4- ر.ک. سفینه تبریز، به خط و گردآوری ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، تاریخ کتابت 721-723 ه ق، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با مقدمه های عبد الحسین حائری و نصر الله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1381، فهرست مقالات.

بجز خواجه نصیر، سه فرزند وی با نام های صدر الدین علی، اصیل الدین حسین و فخر الدین احمد نیز در دربار ایلخانان حضور داشتند.

موقعیت اصیل الدین به عنوان منجم غازان خان موجب شد غازان پس از تشرّف به اسلام، به تدریج به مذهب تشیّع علاقه مند شود. (1)

از علمای معروف شیعه در عصر الجایتو، شیخ جمال الدین حسن بن مطهر حلّی (648-726 ه ق) و پسرش مولانا فخر الدین محمد بن جمال الدین حلّی هستند که نقش عمده ای در گسترش تشیّع عهده دار شدند. حافظ ابرو درباره وی می نویسد:

او مردی دانشمند متبحر بود، از تلامذ خواجه نصیر الدین و در علوم معقول و منقول مشهور و یگانه جهان. (2)

شیخ جمال الدین مطهر در عهد الجایتو، با پسر خود، فخر المحققین، به «سلطانیه» آمد و به اشاعه مذهب تشیّع پرداخت و در حقیقت، تجدید بنای مذهب شیعه و تأیید اصول و احکام آن پیش از نهضت عهد صفویه بیشتر بر اثر مجاهدت علامه و شاگردان اوست. وی و سید تاج الدین آوجی نقش عمده ای در تشرّف الجایتو به تشیّع داشتند. شیخ جمال الدین در حضور ایلخان، به مناظره با علمای دیگر مذاهب پرداخت و حقانیت تشیّع را اثبات نمود. (3)0.

ص: 92

---

1- رسول جعفریان، تاریخ ایران اسلامی، ص 97.

2- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، ص 103.

3- بوداق منشی قزوینی، پیشین، ص 105/ قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 359-360.

از علمای شیعه عصر الجایتو، یکی هم سید تاج الدین آوجی است.

حافظ ابرو درباره اش می نویسد:

محتدش (1) از «آوه بود و مولود به کوفه» و در نشو و نما، به مشهد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب. پیش سلطان اعتبار تمام یافت و سلطان را بر مذهب شیعه تحریض می نمود و سلطان [الجایتو] به تقلید او، مذهب شیعه قبول کرد و به غایتی رسید که مدتی مدید نام شیخین و عثمان در خطبه ترك کرد و بر نام علی از خلفا اختصار کرد. (2)

آن گونه که مطرح شد، حضور علمای بزرگ شیعه در عصر مغول در آذربایجان نقش عمده ای در ترویج تشیع در بین عامه مردم و نیز مغولان داشت و راهگشای پیشرفت های بعدی این مذهب بوده است.

### آاناتولی؛ منبع نیروی نظامی

از جمله عوامل تأثیرگذار بر پیروزی تشیع، شیوع و حضور عقاید شیعی در میان قبایل ترك (3) آاناتولی بود که ادامه جغرافیایی آذربایجان محسوب

ص: 93

1- منظور این است که اصل وی از شهر «آوه» بوده است.

2- حافظ ابرو، پیشین، ص 102. حمد الله مستوفی می نویسد: «تاج الدین آوجی را که پیشوای اهل شیعه بود و در رفض غلوی عظیم داشت و الجایتو سلطان را بر مذهب شیعه محرض بود.» (حمد الله مستوفی، پیشین، ص 608).

3- علاقه عشایر ترك به مذهب شیعه و آرمان های عدالت خواهانه آن در قالب فرقه های «بکتاشیه» و «حروفیه» خود را نشان داد که حکایت از پذیرش تمایلات حق طلبانه شیعی در میان آنان دارد. ر.ك. رحیم نیکبخت، «درآمدی بر ادبیات مرثیه ترکی؛ آینه هویت ایرانی آذربایجان و اران»، فصلنامه آران، سال دوم، ش 5، پاییز (1383)، ص 176.

می شود. «آناطولی» پس از فتوحات عصر سلجوقی، شاهد رشد اسلام بود - البته نه اسلام با مذاهب رسمی. در بکر بودن افکار مردم ناحیه آناطولی، علاوه بر محیط جغرافیایی، رویدادهای سیاسی و مسائل اقتصادی بی تأثیر نبودند. این خلأ مذهبی موجب رشد عقاید صوفیانه - شیعیانه در این منطقه شده بود که با مهاجرت قبایل ترک، به صورت مرکز عملیات نظامی علیه بیزانس در آمده بود و همین قابلیت بعدها نیز عمده قوای نظامی دولت صفوی را در سال های نخستین پیدایش و رسمیت تشیع تأمین نمود. در کنار این مسئله، تشابه بسیار فرهنگی آناطولی و آذربایجان را نیز نمی توان نادیده گرفت.

در خصوص چگونگی ورود ابتدایی عقاید شیعی به آناطولی، (1) اطلاع چندانی، بخصوص در اوایل آن، در دست نیست، ولی در سیر این گسترش، فرق صوفیه نقش عمده ای داشتند و نیز «در عصر سلجوقیان، طریقت های "اخوت" در ایران و "آنادولو" ظهور کرد» (2) که حضرت علی علیه السلام پیر و مرشد ایشان به شمار می آید. در کنار «اخوت»، تصوف نیز با طریقت های گوناگون مانند «مولویه» و «بکتاشیه» سخت در تکاپو بودند. مولوی و خاندان و مریدانش اگرچه بر مذهب سنت و بر فقه حنفی بودند، ولی همچون بسیاری از صوفیان، ارادت زیادی به امیر مؤمنان و 0.

ص: 94

---

1- در عصر سلجوقی، آناطولی نسبت به ایران سرزمینی کمتر سنتی به شمار می رفت. ر.ک. جی. آبولیل، پیشین، ج 5، ص 277.

2- پی. ام. هولت، پیشین، ص 220.

خاندان پیامبر علیهم السّلام داشتند. (1) نویسنده مجلس المؤمنین وی را جزو شیعیان آورده و ضمن شرح احوال وی، اشعاری را که در مدح امام علی علیه السّلام سروده، آورده است:

هر آن کس را که مهر اهل بیت است \*\*\*

و را نور ولایت در جبین است

غلام حیدر است مولای رومی \*\*\*

همین است و همین است و همین است.

و یا در جایی گفته است:

آفتاب وجود اهل صفا \*\*\*

آن امام امم، ولیّ خدا

آن امامی که قائم است الحق \*\*\*

زوزمین وزمان و ارض و سما. (2)

همچنین این گرایش نیز به وضوح در آرامگاه وی، که بر سقف رواق آن اسامی ائمه شیعه علیهم السّلام نوشته شده، به وضوح قابل مشاهده است.

از دیگر فرق صوفیه در آناتولی، «بکتاشیه» اند؛ یعنی پیروان سید محمد رضوی نیشابوری، معروف به «حاجی بکتاش» (738 هـ) که پیروان سینه چاکش بسیاری از عقاید شیعی را پذیرفته بودند. (3) غیر از 8.

ص: 95

---

1- درباره حضور مولانا در قونیه، ر.ک. ابن بی بی یحیی بن محمد بن علی جعفری الرغدی، اخبار سلاجقه روم، ص 124-153.

2- قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، ص 113-117.

3- ذبیح الله صفا، پیشین، ج 4، ص 58.

ایشان، «حروفیه» نیز مدتی در آناتولی به تبلیغ پرداخت. ایشان پیروان فضل الله استرآبادی، معروف به «حروفی»، بودند که توسط میرانشاه به قتل رسید. (1) اما صفویان از این نیروی بالقوه استفاده کردند و با تبلیغات دامنه دار در این ناحیه، شالوده عمده قوای نظامی اوایل کار خود را ریختند.

درباره ماهیت و موقعیت مذهب تشیع، بین دهقانان و چادرنشینان آناتولی (2) در قرن نهم و نسبت به قرن بعدی اطلاع چندانی در دست نیست و مطالب اندک نیز ما را در روشن شدن این امر یاری نمی کنند. از سوی دیگر، به وضوح می توان «بکتاشیه» را عامل گسترش دهنده معتقدات شیعی دانست. (3)

خاندان قره مان اوغلو (4) و نیز اهالی آن دیار گویا از دیرباز تمایلی به مذهب شیعه داشته اند و همچنین اهالی مناطق واقع در غرب «قره مان»؛ یعنی نواحی «تکه» و «حمید» نیز چنین تمایلی داشتند. (5) «تکه لو» ها جزو قبایل قزلباش محسوب می شوند که در تشکیل دولت ذی دارای نقش بودند.

در قرن نهم هجری در آسیای صغیر، دین در حال تغییر و تحول بود و بر اثر مشکلات ناشی از جنگ ها و فقر اقتصادی ناشی از آن، این تغییر و 1.

ص: 96

---

1- همان، ص 58.

2- درباره تشیع و تصوف و رشد اسلام مردمی در آناتولی، ر.ک. کامل مصطفی الشیبی، پیشین، ص 343-363 میشل م. مزای، پیشین، ص 133-140.

3- فاروق سومر، پیشین، ص 14. کلودکاهن در مقاله «شیعه امامیه» حرکت شیعیان آناتولی را در قرن 16 م بررسی کرده است.

4- از حکومت های محلی ترکیه امروز که با توسعه عثمانیان منقرض شد.

5- والتر هینتس، پیشین، ص 21.

تحوّل بالفعل تقویت و تسریع می شد؛ امری که از نظر محققان مکتوم نمانده است؛ چنان که مطالب برخی سفرنامه ها نیز گویای همین امرند. (1) از عوامل مهم در رشد و قوّت اسلام مردمی، افراد قبایل ترك آناتولی بودند (که در صفحات بعدی بدان پرداخته خواهد شد). گروه های قبیله ای از آسیای صغیر مجدداً شروع به مهاجرت کردند و این بار مسیر حرکت بر خلاف مسیر رفت، به سوی شرق بود. این امر مقارن تکاپوهای اولیه صفویان، محسوس تر بود. رهبران طریقت صفوی در اغلب اوقات، ایشان را به یاری فرامی خواندند. ترکان تحت قیادت رهبران مزبور ابتدا در راه مقاصد صوفیانه یا به ظاهر صوفیانه، مجاهدت می کردند، اما بعداً رهبران طریقت از ایشان به عنوان ابزاری برای پیشبرد مقاصد سیاسی و مذهبی خود استفاده کردند. (2)

پس از تشکیل دولت صفوی و شروع منازعات عثمانی با صفویان، ضربات سنگینی به موقعیت شیعیان آناتولی وارد شدند و بسیاری از شیعیان جذب طریقت هایی مانند «بکتاشیه» شدند و عده ای نیز جذب دستگاه های امپراتوری عثمانی گردیدند. شیعیان آناتولی بی تردید، نقش تعیین کننده ای در رسمیت تشیع به عهده داشتند. همچنین بخشیدن اسرای رومی - که بعدها در منابع صفوی به «روملو» شهرت یافتند - توسط تیمور به خواجه علی به عنوان بخشی از قوای اولیه قزلباش در پیروزی های اسماعیل نیرویی تأثیرگذار بود. 9.

ص: 97

---

1- ر.ك. اولیا چلبی، سیاحت نامه، استانبول، 1314، ج 2.

2- هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 29.

«تصوّف» از بدو پیدایش، نقش خاصی میان مردم داشت و کارکردهای گوناگونی را از آن شاهدیم. این در جذب قلوب عامّه به سوی تشیع، یکی از عوامل مهم و غیر قابل انکار است که با کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، عامل از بین بردن بسیاری از تعصّبات خشک بوده است.

طریقت های صوفیانه با گرایش های باطنی شیعی، آذربایجان را از یک سرزمین به ظاهر سنی مذهب، به یک سرزمین شیعی تبدیل کردند. از این رو، در بررسی زمینه های ایجاد تشیع و رشد آن در آذربایجان، باید تصوّف را یکی از مهم ترین عوامل معنوی تأثیرگذار و دخیل برشمرد.

سرخوردگی مردم از بسیاری از متشرّعان دسیسه باز و فرقه گرا، آنان را به تصوّف متمایل ساخت، بخصوص که تصوّف با دل ها و احساسات مردم عجین بود، نه با عقل ها. با سپری شدن این دوران و دگرگونی عهد غلبه مغول، یورش های ویرانگر و قتل عام های وحشیانه، آشفتگی فکری و روحی و بی اعتباری دنیا در افکار عموم، مردم را به سوی تصوّف هدایت می کردند و این میل گسترش زیادی یافت. تصوّف با تشیع از دیرباز عجین بود، بخصوص در این امر، عشق به انسان دوستی و صلح، در کنار این مطلب که بنیان گذاران بیشتر این فرقه ها سلسله خرقه خود را به حضرت علی علیه السلام می رسانیدند، نقش اساسی داشت.

به دلیل منزلت علی علیه السلام در زهد بود که علی علیه السلام مرجع معرفت صوفیانه و پیری که همه طریقه ها در او به هم می رسند، گردیده است. اهمیت شخصیت او در جهان



اسلامی، به آنجا رسید که نه تنها علی علیه السلام و فرزندان او را در دعوت ها و تبلیغات سیاسی، امام و پیشوا می شمردند، بلکه این جنبه به تصوف نیز انتقال یافت و به ویژه از آغاز سده ششم، علویان پیر صوفیان نیز شدند و همچنان که در کنار شخصیت تاریخی علی علیه السلام يك شخصیت اسطوره ای شیعی از او به وجود آمد، تصوف نیز به رنگ و نقش خاص خود، پرده تصویر از او ساخت که هنوز در کتاب های صوفیانه منعکس است. (1)

سید حسن نصر معتقد است: حلقه ارتباطی بین تشیع و تصوف امام علی علیه السلام است. وی می نویسد:

علی علیه السلام همان قدر که منشأ تشیع محسوب می شود، در عین حال، نماینده برجسته باطنیگری در اسلام است. از این لحاظ، سرچشمه تشیع و تصوف یکی است و این دو عناصر مشترك بسیاری دارند. (2)

در دوره مغول و بخصوص پس از این عصر، خانقاه ها و نفوذ صوفیه گسترش یافتند. ابن بطوطه در جای جای سفرنامه خود، به وجود خانقاه های متعدد در شهرهای ایران آن عصر اشاره دارد. (3) این مطلب آشکار است که گرایش شیعی از سده هفتم به بعد توسط طریقت های.

ص: 99

---

1- کامل مصطفی الشیبی، پیشین، ص 20.

2- ر.ك. راجر سیوری، پیشین، ص 23.

3- ر.ك. ابن بطوطه، پیشین.

صوفی در جای جای ایران رواج یافت که ظاهراً سنی بودند؛ یعنی به لحاظ مذهبی، وابسته به یکی از مذاهب سنی و اغلب شافعی بودند، اما این طریقت‌ها سرسپرده حضرت علی علیه السلام بودند و حتی ولایت او را پذیرفته بودند. همین گرایش‌ها ایران را از یک سرزمین سنی مذهب به یک مملکت شیعی تبدیل کرد. در این امر، نقش و سهم تصوّف در توسعه تشیّع و آماده سازی زمینه برای برقراری مذهب شیعه در ایران دوره صفوی از اهمّ مسائلی است که ارتباط مستقیم با نقش سیاسی فعال طریقت صوفی و نقش و سهم مذهبی و معنوی طریقت‌های دیگر همچون «کبرویه» و به ویژه «نوربخشیه» (1) دارد که بیش از سایر طریقت‌ها در صدد ارتباط بین تسنّن و تشیّع برآمده اند. (2)

همچنین طریقت‌های شیعی نیز به تدریج سربرآوردند که از آن میان، می توان «حروفیه» را نام برد. (3) تشیّع صوفیانه «حروفیه» در فضای آن روز می توانست محیط مناسبی برای رواج تشیّع فراهم نماید. فضل الله نعیمی در قرن هشتم در محیط «استرآباد» تحت تأثیر مذهب تشیّع بود، ولی تشیّع صوفیانه که در آن اعتقاد به معصومان علیهم السلام را به همراه داشت.

حضور وی در مناطق ترك زبان، بخصوص در آذربایجان، که اندکی پیش 8.

ص: 100

- 
- 1- نویسنده مجالس المؤمنین، شاه نعمت الله ولی، شیخ نجم الدین کبری، شیخ صدر الدین قونوی، جلال الدین روی و عده ای دیگر را جزو صوفیّه شیعه آورده است. ر.ک. قاضی نور الله شوشتری، پیشین، ج 2، .
  - 2- درباره سلسله های صوفی شیعه، ر.ک. ذبیح الله صفا، پیشین، ج 4، ص 77-78 تاریخ ایران دوره صفویان، (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، 1380.
  - 3- درباره نهضت «حروفیان»، ر.ک. کامل مصطفی الشیبی، پیشین، ص 169-178.

از صفویه به تبلیغ پرداخته بود، موجب جذب شماری از مردم به این مسلک شد.

پس از کشته شدن وی، این جنبش همچنان ادامه داشت. شاگرد و خلیفه وی، یعنی عماد الدین نسیمی در اشعار ترکی خود، عشق خود را به ائمه شیعه علیهم السلام بیان کرده است:

عشق الیندن یاندی جانیم یا علی سندن مدد \*\*\*

من فقیرم، بینوایم، یا علی سندن مدد

سن منه لطف و کرمدن دردیمه بیر چاره قیل \*\*\*

شاه سنسن، من گدایم، یا علی سندن مدد. (1)

در کنار همه این مسائل، «فرقه های برادری صوفیانه بیشتر در سرزمین هایی که زبان های ترکی و عربی زبان رایج آن ها بود، گسترش یافت.» (2) در آذربایجان، بخصوص پس از عهد مغول، این طریقت ها رواج یافتند که خود عامل از بین رفتن تعصبات کور و نزدیکی عامه با عشق به اهل بیت علیهم السلام بود و در رواج اسلام مردمی - که در صفحات بعد بدان پرداخته خواهد شد - نقش اساسی ایفا کرده است. کثرت قبول اهل طریقت در آذربایجان و مناطق همجوار نشان از نفوذ افکار اهل طریقت در این دیار دارد و در تواریخ محلی آذربایجان و کتب تذکره نیز می توان به 5.

ص: 101

- 
- 1- حسین فیض الهی (وحید)، دیوان نسیمی (برگزیده اشعار)، تبریز، یاران، ص 53-54. جانم از عشقت سوخت یاریم کن، یا علی من فقیر و بینوایم یاریم کن، یا علی از لطف و کرم بر درد من چاره ای کن شاه تویی، من گدایم یاریم کن، یا علی.
  - 2- ر.ک. تاریخ اسلام، ص 235.

وضوح این موضوع را مشاهده نمود. (1) کتاب سفینه تبریز نشان دهنده گرایش های صوفیان آذربایجان و متون عرفانی مورد توجه ایشان است.

مقالاتی که در زمینه عرفان اصیل ایرانی در آن درج شده، اهمیت زیادی در شناسایی این علایق دارند. (2)

### اسلام مردمی، پیروزی تشیع

مهم ترین عامل رواج تشیع، که نتیجه بسیاری از کارکردهای سیاسی، مذهبی و اجتماعی است، «اسلام مردمی» است که تعیین کننده ترین نقش را در گسترش تشیع داشت. پس از حمله مغول و زوالش، «فقه های سنی»، که پیش از این کلامشان تا دوردست ترین نقاط مملکت ناقد بود، اکنون به سبب کاهش قدرت و نفوذ کلام، ناگزیر بودند کمابیش با ناتوانی شاهد تکوین و بسط اسلام عامه باشند که با دیدگاهی متفاوت از جهان بینی فقه های سنی، سرزمین ایران را برای گرایش های شیعی آماده ساخته بود. (3)

یکی از تحولات فکری-مذهبی ایران پس از قرن هفتم، آن بود که به تدریج، اختلافات مذهبی تا حدی به کنار رفت و نوعی تعدیل در مذهب تسنن به وجود آورد؛ تعدیلی که تا حدی مطلوب صوفیانی بود که از اساس به اختلافات مذهبی کاری نداشتند و می کوشیدند تا ورای

ص: 102

- 
- 1- ر.ک. حافظ حسین کربلائی تبریزی، روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح جعفر سلطان القرائی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1344.
  - 2- ر.ک. رحیم نیکبخت و منیژه صدری، «سفینه تبریز و رسمیت مذهب شیعه در ایران»، مقاله در دست انتشار.
  - 3- هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 29.

اختلافات مذهبی به نشر افکار خود پردازند. این نگرش پس از درهم کوبیده شدن دستگاه خلافت عباسی، به تدریج، جای خود را باز کرد.

تسنن نیز به تدریج، به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل بیت علیهم السلام بود. به تدریج، شرح حال ائمه شیعه علیهم السلام در کتب اهل سنت وارد شد و بجز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام پذیرفته شد.

برخی محققان جدید فضای فرهنگی سنن ایران در قرن هشتم و نهم را «تسنن شیعیانه و تسنن دوازده امام» نامیده اند، (1) ولی با توجه به اوضاع ایران پس از سقوط عباسیان، به نظر می رسد «اسلام مردمی» واژه ای پسندیده تر باشد. در واقع، با حمله مغول، «الهیات رسمی، که به دلیل فردگرایی اش، چندان محبوبیت و رونقی نداشت و زمینه سیاسی آن نیز محو شده بود، اهمیت و نفوذ و تأثیر خود را از دست داد و نوعی مذهب مردمی رونق گرفت و ویژگی هایی را فراهم نمود که ظاهراً در ایام پیشین وجود داشت، ولی به دلایل چندی که اوج آن خصوصت مذاهب تسنن بود، از رواج و رونق بازمانده بود. از جمله این ویژگی ها، می توان از مسائلی همچون اعتقاد شدید به امر اعجاز و کرامات اولیا و عرفا و رشد روز افزون زیارتگاه ها و حتی تکریم و تقدیس علی علیه السلام نام برد. اگرچه اعتقاد به ولایت حضرت علی علیه السلام یکی از اصول بنیادی مذهب شیعه است، [اما] در مذهب مردمی الزاماً چنین جنبه ای وجود نداشت؛ چون حتی مؤمنان سنی نیز به علی علیه السلام احترام قایل هستند. عرفان اسلامی در 5.

ص: 103

---

1- رسول جعفریان، تاریخ ایران اسلامی از یورش مغولان تا زوال ترکمانان، تهران، کانون اندیشه جوان، 1378، ص 255.

همین دوره، در ابعادی نامنتظر، رشد و توسعه یافت و-چنان که قبلا نیز مطرح شد-مردم دل سپرده و حتی سرسپرده شیوخ این طریقت ها بودند.» (1)

پس از زوال ایلخانان، عصر تیموری «یک جنبش دینی پرنشاط را در قسمت اعظم دنیای اسلام نشان می دهد. این حرکت حداکثر در نتیجه زوال عباسیان شروع شد؛ یعنی با آغاز حکومت مغولان و عقب راندن فقها در شرق جهان اسلام، که معلول سلطه مغولان بود. اشکال متعدد اعتقادات عامه، افزایش فرقه های اسلامی (طریقت، تصوّف)، تقدیس فریضه حج، اعتقاد به معجزات و تکریم علی علیه السلام و اصولا خاندان (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله از جمله مهم ترین علایم این جریان بود. این نوع پدیده ها اغلب صبغه شیعی داشت.» (2) برای این جریان، با توجه به اوضاع مناطق نزدیک به آذربایجان، از جمله آسیای صغیر، اصطلاح «اسلام عامه» و «اسلام مردمی» به کار می رود. (3)

شاخصه مهم قرن 9 ه 15 م، یعنی اندکی پیش از رسمیت تشیع، نفوذ و گسترش شدیدتر اسلام مردمی، عقیده به معجزات و اعمال خرافی، به وجود آمدن نهادهای طریقتی و تکریم اولیا، همه پدیده هایی بودند که پس از سلب قدرت از فقه سنی و انحطاط آن در عهد مغول، توانستند رشد و گسترش یابند؛ ویژگی های معین؛ مثلا، تقدیس چشمگیر حضرت علی علیه السلام غالبا متأثر از شیعه بود و در رواج مذهب عامه تمایل به تشیع محرز بود. (4) 4.

ص: 104

1- تاریخ ایران دوره صفویان (پژوهش دانشگاه کمبریج)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، 1380، ص 9.

2- هانس روبرت رویمر، پیشین، ص 187.

3- همان، ص 187.

4- همان، ص 23-24.

جهت گیری به سوی تشیع اختصاص به عوام نداشت، بلکه در میان نویسندگان، علما و حاکمان (1) آن عصر نیز مشاهده می شد. برای مثال، در منابع تاریخی پس از مغول، شاهد این جهت گیری هستیم که بیشتر مورخان آن عصر فصلی مستقل به ائمه شیعه علیهم السلام اختصاص داده اند. حمد الله مستوفی، از مورخان بزرگ عصر مغول، در تاریخ گزیده، ائمه شیعه علیهم السلام را «حجة الحق علی الخلق» می نامد و حکومت را حق ایشان می داند. (2)

در عصر تیموری، در متون ادبی و تاریخی ابراز احترام و افری نسبت به اهل بیت علیهم السلام صورت می گرفت. این ها همه علایم و نشانه های تمایلی هستند که اهل سنت و جماعت به تدریج، به سوی تشیع و ائمه آن پیدا می کردند و دانسته یا نادانسته به تقویت طرف مقابل می کوشیدند و نیز اقدام شیعیان در لعن ستم امویان، از حمایت و تأیید قاطبه حنفیان و خاصه شافعیان ایران برخوردار بود. (3) در آذربایجان آن عصر، بیشتر اهل 6.

ص: 105

- 1- برای رفع پیچیدگی اوضاع مذهبی در عصر آق قویونلوها و اثبات رواج تشیع در چارچوب اسلام مردمی، می توان از سکه های موجود آق قویونلوها نام برد که علاوه بر اسامی خلفای راشدین، اسامی ائمه شیعه و کلمه «علی ولی الله» را می توان بر آن ها مشاهده کرد. برای نمونه، در یکی از سکه های اوزون حسن، این اسامی بدین شکل نقر شده اند: «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله علی حسن حسین محمد موسی جعفر محمد علی ابو بکر عمر عثمان علی» (ر.ک. سید جمال ترابی طباطبائی، پیشین، ص 39).
- 2- ر.ک. حمد الله مستوفی، پیشین، ص 201. از منابع دیگر می توان تاریخ بناکتی را نام برد. در قسمت سوم کتاب، به ذکر ائمه شیعه علیهم السلام پرداخته شده است. (فخر الدین بناکتی، تاریخ بناکتی، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، 1348).
- 3- ذبیح الله صفا، پیشین، ج 4، ص 56.

سنت (1) بر این دو مذهب فقهی و بخصوص شافعی (2) بودند و شافعی بودن ایشان را، که از لحاظ فروع به تشیع نزدیک است، نمی توان در این تحوّل بی تأثیر دانست.

از قرن ششم به بعد، «نگارش کتاب هایی درباره اهل بیت عليهم السلام (3) شتاب خاص خود را گرفته و آثار تعدیل در تسنن، در برخورد با ائمه اهل بیت عليهم السلام بیش از پیش آشکار گردید. علاوه بر آن ها، برخی از شیعیان با 8.

ص: 106

1- ر.ك. حمد الله مستوفی، زهدة القلوب، به سعی و اهتمام گای لیسترانج، تهران، دنیای کتاب، 1362، ص 75-91. در زمان نگارش کتاب، مذاهب ذیل در ظاهر پیروانی در آذربایجان داشته اند. وی درباره تبریز می نویسد: «مردمش اکثرشان سنی و شافعی مذهبند و از مذاهب و ادیان دیگر بی شمارند. اکثر مردم اردبیل بر مذهب امام شافعی اند و مرید شیخ صفی الدین اردبیلی. مردم مشکین شافعی مذهب اند و بعضی حنفی و بعضی شیعه. مردم مراغه بیشتر بر مذهب حنفی می باشند.»

2- «صورتی دیگر از تسنن، که به دلیل دوستی اهل بیت، متهم به داشتن گرایش های شیعی می شود، به طور عمده. به دلیل وجود روایاتی در لزوم دوستی اهل بیت، خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد محبت قرار می گیرند که از نظر برخی، تشیع می باشد... تشیع به این معنا، در منابع فراوان بوده و نمونه های چندی را می توان به عنوان شاهد یاد کرد. شاید برجسته ترین نمونه، گرایش محمّد بن ادریس شافعی (150-204 ه) است. اشعاری از وی نقل شده است که این گرایش را در وی تأیید کرده و چنین به دست می آید که وی به دلیل داشتن این گرایش، نه تنها به تشیع، بلکه به رفض نیز متهم شده است.» رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج 1، ص 28. لو کان رفضنا حبّ آل محمّد فلیشهد الثقلان أنّی رافض انا الشیعی فی دینی و اهلی بمکّة ثمّ داری عسقلیه. ر.ك. حمد الله مستوفی، تاریخ گزیده، ص 626.

3- برای اطلاعات بیشتر درباره نویسندگانی که در آثار خود به اهل بیت عليهم السلام پرداخته اند، ر.ك. فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، 1372، ص 19-28.



شرکت در مجالس حدیث عالمان سنت، مجموعه احادیثی که از طریق آن‌ها در فضایل اهل بیت رسیده، یکجا گردآوری کردند. یک نمونه روشن، کتاب عمده ابن بطریق و دیگری کتاب الیقین سید بن طاووس است که تمامی روایات آن‌ها از طریق محدثان اهل سنت روایت شده، گرچه مؤلفان آن‌ها شیعی اند. « (1)

برای روشن شدن موضوع، یک نمونه جالب فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی است. وی، که در دستگاه آق قویونلوها به کار دیوانی اشتغال داشت، همزمان با پیروزی صفویه، از آذربایجان به نزد ازبکان گریخت. در آثار متعددی که او از خود به جای گذاشته است، می‌توان گرایش‌های شیعی جامعه اهل سنت را در بحبوحه رسمیت تشیع به روشنی مشاهده کرد. وی، که چندین بار به زیارت مرقد امام هشتم علیه السلام رفته است، در وصف و مدح امام الثامن الضامن علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌نویسد:

و اما زیارت قبر مکرم و مرقد معظم حضرت امام ائمة الهدی سلطان الانس و الجن امام علی بن موسی الرضا کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی المرتضی صلوات الله و سلامه علی سیدنا محمد و آله الکرام سیما الآیة النظام ستة آبائه کلهم افضل من یشرب صوب الغمام تریاق اکبر...

-مرادات همه عالم از آن درگاه با برکات حاصل و فی الواقع، ربع میمونش توان گفت که از اشرف 1.

ص: 107

1- همان. ص. 21.

منازل است. آن مقام مبارك تمامی اوقات مقرون به تلاوت کلام مجید است و توان گفت که معبدی است از معابد اسلام. هرگز آن مرقد عالی از طاعت نیازمندان خالی نیست و چگونه چنین نباشد، و حال آنکه تربت حضرت امامی است که اوست مظهر علم نبوی و وارث صفات مصطفوی و امام برحق و رهنمای مطلق و صاحب زمان امامت خود و وارث نبوت به حق استقامت خود.

هزار دفتر اگر در مناقبش گویند \*\*\*

هنوز ره بکمال علی نشاید برد. (1)

و نیز در قصیده ای در مناقب ثامن الائمه علیه السلام در مطلع اول چنین می سراید:

ز گل نسیم تو جوید دل چون غنچه من \*\*\*

که یوسف است مرادم ز بوی پیراهن. (2)

اما برای حل پیچیدگی اوضاع مذهبی آغاز سده دهم هجری و گذر از تسنن ظاهری به تشیع امامی، کتاب وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم به روشنی نشان دهنده گسترش اسلام مردمی، حتی نزد خواص، است که توسط فضل الله بن روزبهان جنجی در همین قرن نگارش یافته.

از همین نویسندگان، چکامه زیبایی در مدح ائمه شیعه علیهم السلام باقی مانده 7.

ص: 108

---

1- .همو، مهمان خانه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1355، ص 336.

2- .همان، ص 336-337.

است که برای روشن شدن محیط فکری و مذهبی همزمان با رسمیت تشیع، ارزش بسیار دارد:

سلام علی المصطفی المجتبی \*\*\*

سلام علی السید المرتضی

سلام علی ستنا فاطمه \*\*\*

من اختارها الله خیر النساء

سلام من المسک انفاسه \*\*\*

علی الحسن الالمعی الرضا

سلام علی الاوزعی الحسین \*\*\*

شهید ثوی جسمه کربلا

سلام علی سید العابدین \*\*\*

علی بن الحسین الزکی المجتبی

سلام علی الباقر المهتدی \*\*\*

سلام علی الصادق المقتدی

سلام علی الکاظم الممتحن \*\*\*

رضی السجایا امام التقی

سلام علی الثامن المؤمن \*\*\*

علی الرضا سید الاصفیا

سلام علی المتقی التقی \*\*\*

محمد الطیب المرتجی

سلام علی الاریحی النقی \*\*\*

علی المکرّم هادی الوری



سلام علی السید العسکری \*\*\*

امام یجهز جيش الصفا

سلام علی القائم المنتظر \*\*\*

ابی القاسم العرم نور الهدی

سیطلع كالشمس فی غاسق \*\*\*

ینحیه من سیفه المنتضی

تری علاء الارض من عدله \*\*\*

کما ملئت جور اهل الهدی

سلام علیه و آباءه \*\*\*

و انصاره ما تدوم السماء. (1)

ص: 110

1- ر.ك. رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، انصاریان، 1370، ص 388-389 به نقل از: نور الله حسینی مرعشی، احقاق الحق و ازهاق الباطل، تعلیقات به قلم شهاب الدین نجفی، تهران، اسلامیه، ص 73-74. سلام بر برگزیده پیامبران و بر علی مرتضی که مورد رضای پروردگار است. سلام بر فاطمه؛ کسی که خداوند او را بهترین زنان اختیار کرد. سلام بر کسی که نفس های او عطرآگین است؛ بر حسن که مورد رضایت پروردگار است. سلام بر حسین؛ شهیدی که در کربلا مدفون است. سلام بر سرور عابدان؛ علی فرزند حسین، پاکیزه و برگزیده. سلام بر باقر هدایت کننده. سلام بر صادق هدایتگر. سلام بر کاظم سختی کشیده؛ کسی که بهترین سجده کنندگان و امام پرهیزگاران است. سلام بر هشتمین امام مورد اطمینان؛ بر رضا سرور برگزیدگان. سلام بر پرهیزگار؛ محمد پاکیزه و امیددهنده. سلام بر نقی معطر؛ علی گرامی و هدایت کننده در دنیا. سلام بر سرور عسکری؛ امامی که لشکر صفا و صمیمیت را تجهیز می کرد. سلام بر قائم مورد انتظار؛ ابی القاسم نور هدایت. به زودی مانند خورشید در میان تاریکی طلوع خواهد کرد و به وسیله شمشیر برنده اش نجات می دهد. عدلش را بر بلندای زمین می بینی؛ همان گونه که از ظلم پر شده است. سلام بر او و پدرانش و یاران او که در آسمان تداوم پیدا می کنند.

از نوشته های دیگری که می تواند تا حدی روشن کننده تحولات عقیدتی دو سه قرن پیش از رسمیت تشیع در آذربایجان باشد، می توان کتاب سفینه تبریز را نام برد که منبع ارزشمندی در شناخت اوضاع فرهنگی و دینی آذربایجان در قرن هشتم است. گردآورنده کتاب، که پیرو مذهب شافعی بوده، در بسیاری از مقالات موجود در کتاب، (1) مکرر «در مباحث مختلف، حضور آموزه ها و آثار تعلق خاطر به اهل بیت علیهم السلام را در عصر خود، در جامعه فرهنگی تبریز در بین علما و دانشمندان به نمایش گذاشته است.» (2) ر.

ص: 111

1- برای نمونه، به چند مورد از مقالات این کتاب اشاره می شود: در رساله اول، با عنوان «انتخاب المصایح» به زبان عربی، به ذکر مناقب اهل بیت رسول علیهم السلام پرداخته و حدیث «حوض کوثر» و «ثقلین» را آورده است. (ص 30)؛ در رساله چهاردهم، با عنوان «دعوات ایام السبعه» به زبان عربی، دعاهای ایام هفته و وظایف سالکان و متعبدان را از زبان حضرت علی علیه السلام آورده است. (98 ص)؛ رساله شانزدهم به کلمات قصار امیر المؤمنین علی علیه السلام اختصاص دارد و به زبان عربی است. (99-100)؛ رساله پنجاه و چهار کتاب «الدعوات فی الاوقات» به زبان فارسی و درباره صلوات بر آل رسول علیهم السلام است. (ص 247)؛ وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام به زبان عربی (ص 645-646)؛ وصایای حضرت علی علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام به زبان عربی (ص 646-647)؛ وصایای حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام به زبان عربی (ص 647)؛ حکومت حضرت علی علیه السلام به فارسی (ص 648).

2- رحیم نیکبخت و منیژه صدیقی، «سفینه تبریز و رسمیت مذهب شیعه در ایران»، مقاله در دست انتشار.



الف) فهرست اشخاص و اعلام

آق قویونلو، 80، 81، 77، 75، 74، 73، 69، 107، 105

آل بویه، 31، 32، 33، 34، 35

آل جلایر، 59

آل مسافر، 31، 34، 37، 45

آل مظفر، 35

آلیاری، 57

ابراهیم بن مرزبان، 35

ابن ابی الساج، 36، 44

ابن اثیر، 13، 14، 15، 16، 20، 23، 25

ابن بطریق، 107

ابن بطوطه، 57، 99

ابن حجر، 72

ابن حوقل، 38

ابن شادلویه، 44

ابن عمید، 34، 35

ابن فهد، 90

ابن کثیر، 36

ابن مکی، 90

ابو الفضل بن عمید-ابن عمید



ابو القاسم على بن جعفر، 38

ابو الهيجاء بن رواد بن ابراهيم مرزبان، 39

ابو الهيجاء عبد الله بن حمدان، 36

ابو بكر، 58، 73، 75، 105

ابو حاتم رازی، 38

ابو دجانه، 15

ابو دلف، 45

ابو مخنف، 14، 18، 20

احمد بن فهد حلّی، 74

احمد (معزّ الدوله)، 32

اخوّت، 94

اسپند، 74

ص: 113

استاد الرئيس-ابن عميد

اسفنديار، 15، 16

اسماعيل صفوى-شاه اسماعيل

اسماعيلى، 34، 38، 39، 45

اسماعيليان، 90

اسم خارجى-شادلويه

اشعث بن قيس، 22، 23

اصفهان ميرزا، 75

اصيل الدين حسين، 92

افشين، 44

الجايوتو، 53، 54، 55، 56، 57، 58، 92، 93

المفضل، 58

الناصر لدين الله، 47

اليگودرز، 45

امامى، 32، 45، 68، 74، 78، 108، 110

امير حسين على شاه بن جهان شاه- جهان شاه

امير طرمطاز، 52

امير قرا يوسف بن قرا محمد-قرا يوسف اوزون حسن، 76، 77، 79، 105

ايلخانان، 90، 92، 104، 48، 50، 57، 59، 69، 78، 89

ايلكانويان، 59

ايوا، 70

بابك، 44

باسورث، 59، 70، 78

باطنى، 38، 98

بايجو بنخشى، 52

براء بن عازب، 14

بكتاشيه، 93، 94، 95، 96، 97

بكير بن عبد الله، 15

بلاذرى، 23، 44، 14، 15، 16، 17، 18، 20، 21

بنى دلف

بنى ساج، 37

بويه، 32

بهاء الدوله، 33

بهرام بن فرخزاد، 14

بيزانس، 94

پير محمد سلطان بن عمر شيخ، 65

پير يعقوب باغستاني، 53

ترکمانان، 69، 71، 77

تکه لو، 96

تيمور، 41، 59، 61، 65، 66، 67، 70، 97

تيمورى، 65، 66، 67، 68، 104، 105

تيموريان، 65، 66، 68

جستانيان، 37

جمال الدين بن مطهر - علامه حلي

جمل، 22

جنيد، 78، 79

جهان پهلوان، 45

جهان شاه، 70، 72، 73، 74، 75، 77، 79

ص: 114

حاجی بكتاش، 95

حافظ ابرو، 92، 72، 71، 57، 56، 54، 52، 93

حروفیه، 100، 96، 93

حروفی - فضل الله استرآبادی

حسن بیك، 83، 76، 75

حسن (ركن الدوله)، 32

حسین نخجوانی، 60

حمد الله مستوفی، 106، 105، 93، 51

حمدانیان، 37، 36، 35، 31

حمیضا بن ابی نماء مکی، 58

حنفی، 94، 67، 53

خان مغول، 46

خزیمه بن خازم، 44

خنجی، 107، 106

خواجه اصیل الدین طوسی، 56

خواجه علی، 97، 78

خواجه نصیر، 92، 56

خواجه نصیر الدین طوسی - خواجه نصیر

خوارج، 44، 43، 22

دوازده امامی، 71، 34

دیالمه - آل بویه

ديسم، 34، 37، 38

ديسم بن ابراهيم شادلويه-ديسم

ديلميان، 35

رشيد الدين، 46، 50، 51

رکن الدوله، 32، 33، 34، 35

رواديان، 39

روملو، 83، 97

زرتشت، 7

زيد بن علي، 7، 25

زیدی، 34

ژان اوین، 71

ساجیان، 38

سادات علوی-علویان

ساسانیان، 13

سالاریان-آل مسافر

سربداران، 90

سعد، 18، 19

سلاجقه، 45

سلاجقه-سلجوقیان

سالار، 34

سلجوقیان، 45، 94

سلطان اویس جلایری، 61،70

سلطان حسین بایقرا، 68،69

سلطان طغرل بن میکائیل بن سلجوق، 83

سلطان قلی، 75

سلطان محمد خوارزمشاه، 47

سلطان محمود غازان، 50

سلطان محمود غازان-محمود غازان

سلیمان بن ربیعہ باہلی، 18،19

سلیمان فارسی، 18،19،20

ص: 115

سمّاك بن خرشه انصاری، 15

سمّاك بن خرشه بامداد، 16

سید بن طاووس، 107

سید تاج الدین آوجی، 54، 56، 92، 93

سید تاج الدین ابو الفضل محمّد-سید تاج الدین آوجی

سید حسن نصر، 99

سید حیدر آملی، 90

سید علی واحد العین، 69

سید محمّد رضوی نیشابوری-حاجی بکتاش

سید مهدی، 51

سیف آل محمّد، 39

سیف الدوله، 36

شادلویہ، 37، 44

شافعی، 53، 91، 100، 106، 111

شاہ اسماعیل، 81، 80، 79، 77، 75، 8، 85، 84، 82

شاہرخ، 71، 72

شاہزادہ الافرنگ، 53

شراة، 44

شریف رضی، 33

شیخ جمال الدین بن حسن مطہر حلّی- علامہ حلّی

شیخ جنید، 78



شیخ حسن بزرگ، 59،60،

شیخ صدوق، 33،

شیخ صدر الدین، 79،100،

شیخ صفی الدین اردبیلی، 78،

شیخ عبد اللطیف، 78،

شیخ مفید، 26،33،

شیرین بیانی، 52،59،60،91،

شیعہ قطب شاہیہ، 75،

صدر الدین علی، 92،

صدقة بن علی، 44،

صفویان، 73،75،78،82،96،97،

صفویہ-صفویان

صوفیگری، 77،

طبری، 14،15،16،17،20،21،

عبّاسیان، 44،46،47،48،90،103،104،

عبد الرحمن، 20،

عبد الرزاق سمرقندی، 66،68،69،73،75،

عبد الملك، 43،54،

عتبة بن فرقد، 15،16،18،

عثمان، 18،19،23،93،105،

عثمانی، 82،97،

عضد الدوله، 33

علامه حلّی، 56

علامه مطهر حلّی-علامه حلّی

علامه مظفر، 19، 32

علویان، 50، 48، 33، 31، 26، 25، 24، 20، 99، 66، 51

ص: 116

94،95،98،99،100،103،104 ،56،57،58،59،66،71،77،84،93 ،18،19،22،23،24،25،55، على عليه السلام،

38،39، على بن جعفر،

32، على (عماد الدوله)،

101، عماد الدين نسيمي،

18،20، عمّار،

15،16،17،18،21،58،65،105، عمر،

عمر بن خطّاب-عمر

25، عون بن على،

70، غز،

92، فخر الدين احمد،

92، فخر المحققين،

14،16، فرّخزاد،

96، فضل الله استرآبادى،

فضل الله بن روزبهان-خنجى

100، فضل الله نعيمى،

32، فنا خسرو،

74،78،92 ،36،37،51،55، قاضى نور الله شوشترى،

70،71،72، قرايوسف،

69،70، قره قويونلو،

96، قره مان اوغلو،

75،80،81،96،97، قزلباش،

قيس بن سعد بن عباده، 23، 24،

كبرويه، 100

كسروي، 22، 35، 37، 38،

كنكريان-آل مسافر

محمد بن ابى ساج، 37

محمد بن محمد نعمان مفيد-شيخ مفيد

محمد مصلح الدين لارى انصارى، 76

محمود غازان، 48، 50،

مرزبان بن محمد، 34

مرزبان بن محمد-سلار

مسلم بن عوسجه، 20

مظفريه-آل مظفر

معاويه، 67

معز الدوله، 32، 33،

مغان، 7

مغول، 71، 54، 53، 50، 49، 47، 46، 45، 104، 103، 102، 101، 99، 98، 93، 90، 105

مغيره، 14

مغيره بن شعبه، 15

مغيره بن شعبه ثقفى، 15

ملا محمد امين حشرى تبريزى، 51، 25، 80، 79

ملك اشرف چوپانى، 79

منكجور، 44

مولانا احمد اردبیلی، 84

مولانا علی فرمه اصفهانی، 76

مولانا فخر الدین محمد بن جمال الدین حلّی،

ص: 117

مولانا نظام الدين عبد الملك، 54،

مولوى، 94،

مولويه، 94،

مونس، 36،

مهلى، 34،

ميرانشاه، 65، 96،

ناصر الدوله، 36،

نظام الدين افضل، 53،

نعيم، 15،

نور بخشيه، 100،

واقدى، 14، 21،

والتر هينس، 76، 82، 96،

وجناء ازدي، 44،

وليد بن عقبه، 18، 19،

وهسودان بن محمد، 35،

هارون، 44،

هلاكو، 46، 48، 49، 59، 90،

ياقوت حموى، 15، 18،

يزيد، 67،

يعقوبى، 14، 15، 16، 23، 24،

آذربایجان، 7، 8، 13، 14، 15، 16، 17، 18، 19، 20، 21، 22، 23، 24، 25، 27، 31، 34، 35، 36، 37، 38، 39، 43، 44، 45، 46، 47، 48، 49، 50، 51، 52، 53، 54، 55، 56، 57، 58، 59، 61، 65، 66، 69، 70، 71، 72، 77، 78، 79، 80، 81، 82، 83، 84، 85، 89، 91، 93، 94، 98، 100، 101، 104، 105، 107، 111، 102

آنا تولی، 46، 58، 69، 70، 82، 93، 94، 95، 96، 97

آنادولو، 94

آوه، 93

ابههر، 14، 27

اران، 35، 38، 44، 93

اردبیل، 14، 23، 27، 36، 83

ارمنستان، 38، 44

ارومیه، 70

استرآباد، 100

اصفهان، 21، 57، 58

ایران، 7، 8، 9، 13، 14، 19، 21، 22، 24، 25، 26، 32، 33، 34، 36، 38، 39، 43، 44، 45، 46، 47، 48، 49، 50، 51، 52، 53، 55، 56، 57، 59، 61، 65، 66، 67، 68، 69، 70، 73، 74، 76، 77، 78، 79، 82، 83، 84، 89، 91، 92، 94، 99، 100، 102، 103، 104، 105، 106، 111

ص: 118

بذ، 45

بذین-بذ

بصره، 21

بغداد، 48، 55، 60، 61، 74، 75، 83 ، 19، 32، 33، 39، 41، 43، 44، 46

بند، 16

بیزانس، 35، 46، 69، 94

بیلقان، 44

بین النهرین، 74

تارم، 37، 38

تبریز، 80، 81، 82، 83، 84، 101، 102، 111 ، 8، 9، 13، 51، 70، 74، 76، 79

تکه، 96

جرمیدان، 15

جزیره العرب، 21

چالدران، 82

حلب، 36

حمید، 96

خراسان، 25، 26، 57، 68

در بند، 16

دریای خزر، 27

دیاربکر، 70

دیلم، 32



رصدخانه مراغه، 90

ری، 15، 21، 33، 38، 52

زنجان، 14

سادات علوی، 26

سرخاب، 25

سلطانیه، 57، 58، 92

سمیران، 34

شام، 21، 67

طارم، 34

طبرستان، 26، 31، 46

عراق، 21، 32، 46، 55، 57، 59، 61، 70

عراق عجم، 46، 57

عربستان، 13

عین آلی، 25

عین آلی-سرخاب

غدیر خم، 18

فارس، 21، 57

قاین قهستان، 69

قره مان، 96

قزوین، 14، 21، 37، 58

قم، 13، 21، 26، 34، 36، 37، 106، 110

كاشان، 21

كربلا، 110، 109، 60، 20

كوفه، 93، 23، 21، 15

گرگان، 20

گنبد سلطانيه، 57

گیلان، 20

ماوراء النهر، 65

مراغه، 90، 37

ص: 119

مسجد جامع تبریز، 84

مشهد امیر المؤمنین 7، 55، 93

موصل، 36

نصیبین، 36

نهاوند، 13، 14

وان، 70

همدان، 21، 75

هندوستان، 75

یمن، 21

### **ج) فهرست کتب**

الیقین، 107

ایران در راه عصر جدید، 59، 68

تاریخ الجایتو، 54

تاریخ عمومی آذربایجان، 16

تاریخ گزیده، 51، 105، 106

تزوکات تیموری، 66

زبدة التواریخ، 65، 71، 72

سفرنامه ابن حوقل، 45

سفینه تبریز، 91، 102، 111

شهر یاران گمنام، 22، 35

طوفان در آذربایجان، 13

عالم آرای امینی، 76

عالم آرای صفوی، 84، 81، 80

عمده، 107

مجالس المؤمنین، 100، 95

مرآت الادوار و مرقات الاخبار، 76

منتقلة الطالبیه، 26

نشریه موزه آذربایجان، 39

نهج البلاغه، 33

وسيلة الخادم الى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، 108، 106

ص: 120

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

